



جرعه‌ای از زلال آسمان

جلد سوم

ناصر نظارات





تمام محبت را به پای دوست بریز نه تمام اعتماد را
(امام علی علیه السلام)

.....
ترجیح می دهم حقیقتی مرا آزار دهد ، تا اینکه دروغی آرامم کند...

.....
تنها دو روز در سال هست که نمیتونی هیچ کاری بکنی!
یکی دیروز و یکی فردا...

.....
خوبی بادبادک اینه که
می دونه زندگیش فقط به یک نخ نازک بنده
ولی بازم تو آسمون می رقصه و می خنده...

.....
با کسی زندگی کن که مجبور نباشی
یه عمر برای راضی نگه داشتنش فیلم بازی کنی...

انسان مجموعه ای از آنچه که دارد نیست ؛
بلکه انسان مجموعه ای است از آنچه که هنوز ندارد، اما می تواند داشته
باشد ...

.....

مردمی که گل ها را دوست میدارند خود از آن گل ها
دوست داشتنی ترند ...

.....

تهمت مثل زغال است اگر نسوزاند سیاه می کند ...

.....

چقدر سخت است همرنگ جماعت شدن وقتی جماعت خودش هزار رنگ
است ...

.....

دوره ، دوره آدم هایی ست که همخواب هم می شوند
ولی هرگز خواب هم را نمی بینند ...

.....

خداوندا به مذهبی ها بفهمان که مذهب اگر پیش از مرگ به کار نیاید
پس از مرگ به هیچ کار نخواهد آمد
"دکتر علی شریعتی"

.....

اگر گیاهان صدایی نداشته باشند
به معنای آن نیست که دردی ندارند ...

.....
اگر می‌خواهی محال‌ترین اتفاق زندگی رخ بدهد
باور محال بودنش را عوض کن ...

.....
برنده می‌گوید مشکل است ، اما ممکن
و بازنده می‌گوید ممکن است ، اما مشکل ...

.....
آن اندازه که ما خود را فریب می‌دهیم و گمراه می‌کنیم، هیچ دشمنی
نمی‌تواند ...

.....
حتی اگر بهترین فرد روی کره زمین هستید به خودتون مغرور نشوید
چون هیچ کس از شخصی که ادعا می‌کند خوشش نمی‌آید ...

.....
من در رقابت با هیچکس جز خودم نمی‌باشم
هدف من مغلوب نمودن آخرین کاری است که انجام داده‌ام ...
"بیل گیتس"

تنها راه کشف ممکن ها ، رفتن به ورای غیر ممکن ها است ...
(آرتور کلارک)

ژوبرت :

" برای یاد گرفتن آنچه می خواستم بدانم احتیاج به پیری داشتم ،
اکنون برای خوب به پا کردن آنچه که می دانم ، احتیاج به جوانی دارم "

دوست تو کسی است که هرگاه کلمه "حق" از تو شنید ، خشمناک نشود .
..

معبودا !

به بزرگی آنچه داده ای آگاهم کن تا کوچکی آنچه ندارم نا آرامم نکند .

بسان رود که در نشیب دره سر به سنگ می کوبد رونده باش
امید هیچ معجزی ز مرده نیست ، زنده باش ...

یادها فراموش نخواهند شد ، حتی به اجبار
و دوستی ها ماندنی هستند ، حتی با سکوت ...

مترسک عروسک زشتیست که از مزرعه مراقبت میکند
و آدمی مترسک زیبایست که جهان را می ترساند ...

.....
دوستی کلام زیبایست که هر کس درکش کرد ، ترکش نکرد ...

.....
زندگی قانون باور ها و لیاقتهاست ، همیشه باور داشته باش
لایق بهترین هایی ...

.....
اگر مایلید پیام عشق را بشنویم ، بایستی خود نیز این پیام را ارسال کنیم ..

.....
در زمین عشقی نیست که زمینت نزند ، آسمان را دریاب ...

.....
زندگی یعنی :

ناخواسته به دنیا آمدن

مخفیانه گریستن

دیوانه وار عشق ورزیدن

و عاقبت در حسرت آنچه دل میخواهد و منطق نمیپذیرد ، مردن ...

زن مانند شیشه ی ظریف و شکستنی است

هرگز توانایی مقاومت او را نیازمایید ، زیرا ممکن است شیشه ناگهان بشکند .

.....
آموخته‌ام که هیچ‌گاه نجابت و تواضع دیگران را به حساب حماقت‌شان
نگذارم ...

.....
پیروزی یعنی :

توانایی رفتن از یک شکست ، به شکستی دیگر
بدون از دست دادن اشتیاق ...

.....
مردم هرگز خوشبختی خود را نمیشناسند
اما خوشبختی دیگران همیشه در جلو دیدگان آنهاست

.....
خداوندا مرا از کسانی قرار ده که دنیاشان را برای دینشان میفروشند
نه دینشان را برای دنیاشان
(دکتر علی شریعتی)



جمله های جالب و خواندنی از وایس



★ زندگی همچون بادکنکی است در دستان کودکی
که همیشه ترس از ترکیدن آن لذت داشتن آن را از
بین میبرد.

★ شاد بودن تنها انتقامی است که میتوان از دنیا گرفت ، پس همیشه شاد
باش.

★ امروز را برای ابراز احساس به عزیزانت غنیمت بشمار شاید فردا
احساس باشد اما عزیزی نباشد.

★ کسی را که امیدوار است هیچگاه نا امید نکن ، شاید امید تنها دارائی
او باشد.

★ اگر صخره و سنگ در مسیر رودخانه زندگی نباشد صدای آب هرگز
زیبا نخواهد شد.

★ هیچ وقت به خدا نگو یه مشکل بزرگ دارم به مشکل بگو من یه
خدای بزرگ دارم.

★ بیا لبخند بزنی بدون انتظار هیچ پاسخی از دنیا.

★ باد می وزد میتوانی در مقابلش هم دیوار بسازی ، هم آسیاب بادی
تصمیم با تو است.

★ دوست داشتن بهترین شکل مالکیت و مالکیت بدترین شکل دوست داشتن است.

★ خوب گوش کردن را یاد بگیریم گاه فرصتها بسیار آهسته در میزنند.

★ وقتی از شادی به هوا میپری ، مواظب باش کسی زمین رو از زیر پاهات نکشه.

★ مهم بودن خوبه ولی خوب بودن خیلی مهم تره.

★ فراموش نکن قطاری که از ریل خارج شده ، ممکن است آزاد باشد ولی راه به جایی نخواهد برد.

★ اگر در کاری موفق شوی ، دوستان دروغین و دشمنان واقعی بدست خواهی آورد.

★ زندگی کتابی است پر ماجرا ، هیچگاه آن را به خاطر یک ورقش دور نینداز.

★ مثل ساحل آرام باش ، تا مثل دریا بی قرارت باشند.

★ جایی در پشت ذهنت به خاطر بسپار ، که اثر انگشت خداوند بر همه چیز هست.

★ یک دوست وفادار تجسم حقیقی از جنس آسمانی ها ست که اگر پیدا کردی قدرش را بدان.

★ فکر کردن به گذشته ، مانند دویدن به دنبال باد است.

★ آدمی ساخته افکار خویش است، فردا همان خواهد شد که امروز به آن می اندیشد.

★ برای روز های بارانی سایه بانی باید ساخت برای روزهای پیری اندوخته ای باید داشت.

★ برای آنان که مفهوم پرواز را نمیفهمند، هر چه بیشتر اوج بگیری کوچکتر میشوی.

★ فرق است بین دوست داشتن و داشتن دوست ، دوست داشتن امری لحظه ایست ولی داشتن دوست استمرار لحظه های دوست داشتن است.

★ اگر روزی عقل را بخرند و بفروشند ما همه به خیال اینکه زیادی داریم فروشنده خواهیم بود.

★ علف هرز چیه؟؟! گیاهی که هنوز فوایدش کشف نشده.



★ زنان هوشیارتر از آن هستند که مردانگی خود را به همسران خود نشان بدهند.

★ تاریک ترین ساعت شب درست ساعات قبل از طلوع خورشید است پس همیشه امید داشته باش.

★ چه خوب می شد اگر ، اطلاعات را با عقل اشتباه نمی گرفتیم و عشق را با هوس و حلال را با حرام و دنیا را با عقبی و رحمان را با شیطان.

جوابیه پروردگار به یک منتظر



خیلی وقت بود منتظر گرفتن چندتا جواب از خدا بودم، ولی انگار کرکره قلب و روح و گوشم رو بدجور کشیده بودم و هیچ تا اینکه یه شب از طرف یکی از دوستای قدیمیم ایمیلی رو دریافت کردم تحت عنوان: درد و دل های خدا. من با گرفتن این ایمیل خیلی از جوابامو از خدا گرفتم. واقعاً فرستنده این ایمیل خدا بود ولی به اسم یه دوست قدیمی فرستاد تا زیاد خجالت نکشم و.....

تصمیم گرفتم این ایمیل رو واستون بفرستم تا شاید یه عده که مث من منتظر جواب خدا هستند جواباشون رو دریافت کنن و عنوان این ایمیل رو تغییر دادم تحت عنوان: جوابیه پروردگار به یک منتظر



سوگند به روز وقتی نور می گیرد و به شب وقتی آرام می گیرد که من نه تو را رها کرده ام و نه با تو دشمنی کرده ام. (ضحی ۱-۲)

افسوس که هر کس را به تو فرستادم تا به تو بگویم دوستت دارم و راهی پیش پایت بگذارم او را که مرا به سخره گرفتی. (یس ۳۰)

و هیچ پیامی از پیام هایم به تو نرسید مگر از آن روی گردانیدی. (انعام ۴)

و با خشم رفتی و فکر کردی هرگز بر تو قدرتی نداشته ام (انبیا ۸۷)

و مرا به مبارزه طلبیدی و چنان توهم زده شدی که گمان بردی خودت بر همه چیز قدرت داری. (یونس ۲۴)

و این در حالی بود که حتی مگسی را نمی توانستی و نمی توانی بیافرینی و اگر مگسی از تو چیزی بگیرد نمی توانی از او پس بگیری (حج ۷۳)

پس چون مشکلات از بالا و پایین آمدند و چشمهایت از وحشت فرورفتند، و قلبت آمد
توی گلویت و تمام وجودت لرزید چه لرزشی، گفتیم کمک‌هایم در راه است و چشم
دوخته بینم که باورم میکنی اما به من گمان بردی چه گمان‌هایی. (احزاب ۱۰)

تا زمین با آن فراخی بر تو تنگ آمد پس حتی از خودت هم به تنگ آمدی و یقین کردی
که هیچ پناهی جز من نداری، پس من به سوی تو بازگشتم تا تو نیز به سوی من بازگردی،
که من مهربان‌ترینم در بازگشتن. (توبه ۱۱۸)

وقتی در تاریکی‌ها مرا بزاری خواندی که اگر تو را برهانم با من می‌مانی، تو را از اندوه
رهانیدم اما باز مرا با دیگری در عشقت شریک کردی. (انعام ۶۳-۶۴)

این عادت دیرینه ات بوده است، هرگاه که خوشحالت کردم از من روی گردانیدی و
رویت را آن‌طرفی کردی و هروقت سختی به تو رسید از من ناامید شده‌ای. (اسرا ۸۳)

آیا من بر نداشتم از دوش باری که می‌شکست پشتت؟ (سوره شرح ۲-۳)

غیر از من خدایی که برایت خدایی کرده است؟ (اعراف ۵۹)

پس کجا می‌روی؟ (تکویر ۲۶)

پس از این سخن دیگر به کدام سخن می‌خواهی ایمان بیاوری؟ (مرسلات ۵۰)

چه چیز جز بخشنده‌گی ام باعث شد تا مرا که می‌بینی خودت را بگیری؟ (انفطار ۶)

مرا به یاد می‌آوری؟ من همانم که بادها را می‌فرستم تا ابرها را در آسمان پهن کنند و
ابرها را پاره پاره به هم فشرده می‌کنم تا قطره‌ای باران از خلال آن‌ها بیرون آید و به
خواست من به تو اصاب کند تا تو فقط لبخند بزنی، و این در حالی بود که پیش از فرو
افتادن آن قطره باران، ناامیدی تو را پوشانده بود (روم ۴۸)

من همانم که می‌دانم در روز رخت چه جراحت‌هایی برمی‌دارد، و در شب رخت را
در خواب به تمامی بازمی‌ستانم تا به آن آرامش دهم و روز بعد دوباره آن را به زندگی
برمی‌انگیزانم و تا مرگت که به سویم بازگردی به این کار ادامه می‌دهم. (انعام ۶۰)

من همانم که وقتی می‌ترسی به تو امنیت می‌دهم (قریش ۳)

برگرد، مطمئن برگرد، تا یک بار دیگه با هم باشیم (فجر ۲۸-۲۹)

تا یک بار دیگه دوست داشتن همدیگر را تجربه کنیم. (مائده)



چرا قد آرزوها باید کوتاه باشد؟

ما دو نوع آرزو داریم : آرزوی بلند و آرزوی کوتاه، درست است که مردم قد بلند را بیشتر می پسندند اما در زمینه آرزوها متفاوت است اگر آرزویی هم بلند است باید قیچی برداشت و کوتاهش کرد و الا از کمر می شکند، آرزو کوتاهش خوب است می دانید چرا؟



حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که آرزوهایش طولانی است کردارش نیز ناپسند است (نهج البلاغه / ترجمه دشتی / حکمت ۳۶) و این در حالی است که من و شما آرزوهای طولانی و بزرگی داریم و امیداً داریم آرزوهایمان محقق گردد. با توجه به این سخن حضرت علیه السلام اعمال ما نیز می بایست ناپسند شده باشد، بنابراین توجه و دقت بیشتری در معنای سخن امام نیاز است.

طول امل و اسباب آن

طول امل عبارت است از آرزوهای طولانی و امیدهای بسیار در دنیا و توقع زندگانی در دنیا و بقای در آن.

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

به فکر باش که بنیاد عمر بر باد است

و سبب این صفت دو چیز است: یکی جهل و نادانی، چون جاهل بر جوانی خود اعتماد می کند و مرگ خود را بعید می شمارد. و سبب دوم را می توان محبت به دنیا و انس به لذات فانیه دانست زیرا آدمی چون انس به لذات و شهوات گرفت و در دل او دوستی مال و منال و اولاد و عیال و خانه و املاک و ... جای گرفت مفارقت از آنها بر او گران آمده و دل او به زیر بار فکر مردن نمی رود. چندی به کامرانی و جمع اسباب دنیوی می پردازد از این رو از آخرت غافل می گردد.

فریب آرزو را مخور

امام علی «علیه السلام» فرمود: از انجام دادن هر کار اطمینان پیدا کن، و از فریب خوردن آرزوها و امل بپرهیز، و غم فردا را امروز بر خود وارد مکن، که هم و غم امروز تو را بس است، و فردا با گرفتاریهایش بر تو وارد خواهد شد. اگر غم فردا را امروز بر خود بار کنی، بر اندوه و رنج خود افزوده‌ای، و خود را واداشته‌ای تا یک روزه چیزهایی را تحمل کنی که می‌توانستی در خلال چندین روز تحمل کرد. و بدین گونه است که اندوه افزون می‌شود، و کار زیاد، و رنج فراوان؛ و کار کردن، به واسطه دل به آرزوی فردا بستن، کاهش پیدا می‌کند. لیکن اگر دل خویش از آرزو تهی می‌کردی، امروز بیشتر در کار می‌کوشیدی و هر کس دامنه آرزوهایش گسترده باشد، عملش کوتاه و ناچیز گردد. (الحیاء / ترجمه احمد آرام/ ج ۱ / ۵۱۰) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بنده خدا أجل و پایان کارش را می‌دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می‌ورزید (نهج البلاغه / ترجمه دشتی/ ۳۳۴) و بهترین کمک بر کار و عمل، کوتاهی آرزو و امل است. (الحیاء / ترجمه احمد آرام/ ج ۱ / ۵۰۸)

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله از حقیقت ایمان از یکی از صحابه سوال کرد. عرض کرد که هرگز قدمی بر نمی دارم که امید برداشتن قدمی دیگر داشته باشم. اکثر مردمان خاصه در این زمان طول امل بر ایشان غالب شده و چنان از فکر مردن بیرون رفته اند که هرگز آن را از برای خود گمان نمی کنند و عجب تر آنکه هر چه سن ایشان زیادتر می شود حرص و طول امل آنان زیادتر شده همچنان که در اکثر پیران عصر مشاهده می کنیم

دلیل کوتاهی آرزو

دلیل کوتاهی آرزو، اقدام کردن بر کار خوب است، و هر کس ادعا کند که آرزویش کوتاه است، دروغگوست، زیرا این ادعا در اعمال شخص ظاهر می‌شود، و تنها علامت توفیق آن است که مرگ جلوی چشم باشد بدون لحظه‌ای غفلت از آن، و چنان کسی برای مرگی آماده می‌شود که در همان لحظه فرا می‌رسد، پس اگر تا شام زنده بود، خدا را شکر می‌کند که او را مهلت داده و خشنود می‌شود که روزش را بیهوده تلف نکرده بلکه بهره‌برداری کرده و آن را برای خود اندوخته است، و بعد تا بامداد چنان رفتاری را از سر می‌گیرد، و همین طور وقتی که صبح کرد.

چنین حالتی برای کسی میسر نمی‌شود مگر آن که دلش را از علایق دنیا و هستی دنیا تهی کند و چنین کسی اگر بمیرد خوشبخت و کامیاب از دنیا رفته و اگر زنده بماند، بر حسن عمل و لذت مناجات خود، شادمان است، و مردن برای او سعادت، و زندگی باعث افزایش درجه و کرامت است، پس ای بیچاره! مرگ را باید به خاطر داشته باشی، زیرا تو در راه سرگرم شده‌ای و از خود غافل! شاید به سر منزل نزدیک شده و مسافت را طی کرده باشی، در حالی که تو بی‌خبری! و نجات و پیروزی جز در سایه عمل - با استفاده از فرصتی که به هر کسی داده‌اند - ممکن نیست. (مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر / ۵۰۵)

دلیل کوتاهی آرزو، اقدام کردن بر کار خوب است، و هر کس ادعا کند که آرزویش کوتاه است، دروغگوست، زیرا این ادعا در اعمال شخص ظاهر می‌شود، و تنها علامت توفیق آن است که مرگ جلوی چشم باشد بدون لحظه‌ای غفلت از آن، و چنان کسی برای مرگی آماده می‌شود که در همان لحظه فرا می‌رسد

یک عارفی گفت آرزوها پایان ندارند و زنده به هیچ نسازد و گفته‌اند هیچ بنده پیرو آرزوی خود نشود جز که از کار خود کوتاهی کند و باز گفته‌اند بازت ندارد آرزوی دراز از یاد عمر کوتاه و دیگری گفته هر که مهار آرزو را سر داد و رها کرد با مرگ خود بلغزید و به سر درآمد، دیگری گفته: چون به آرزویت رسیدی مرگت نزدیک شده و چون مرگت در رسید آرزویت بر باد رفته. (گنجینه معارف شیعه امامیه / ترجمه کتاب کنز الفوائد و التعجب / ج ۱ / ۸۹)

قصر امل و فواید آن

قصر امل به معنای کم‌امیدی به دنیا است و آن شعار اهل ایمان و سیرت خوبان و نیکان است. حضرت پیغمبر صلی الله علیه فرمود که: چون صبح کنی فکر شب را مکن و چون شام کنی فکر صبح خود را مکن. و ذخیره بردار از دنیای خود برای آخرت و از زندگانی برای مرگ و از صحت مندی برای روز بیماری، زیرا نمی‌دانی فردا بر تو چه وارد خواهد شد و نام تو در میان چه طایفه‌ای خواهد بود.

سال دیگر را که می‌داند حساب

تا کجا باشد آنکه با ما بود پار

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از حقیقت ایمان از یکی از صحابه سوال کرد. عرض کرد که هرگز قدمی بر نمی‌دارم که امید برداشتن قدمی دیگر داشته باشم. اکثر مردمان خاصه در این زمان طول امل بر ایشان غالب شده و چنان از فکر مردن بیرون رفته‌اند که هرگز آن را از برای خود گمان نمی‌کنند و عجب تر آنکه هر چه سن ایشان زیاده‌تر می‌شود حرص و طول امل آنان زیاده‌تر شده همچنان که در اکثر پیران عصر مشاهده می‌کنیم.

مار بودی اژدها گشتی دگر

یک سرت بود این زمانی هفت سر

چرا نماز را به فارسی نمی خوانیم؟!



یکی از شبهاتی که ریشه اش به دهه پایانی حکومت منحوس پهلوی بر می گردد و متأسفانه پس از انقلاب نیز در دوره دگراندیشان و قایلان به قرائت های جدید از دین، دوباره جان گرفت این است که گاهی گفته می شود ما که فارس زبانیم چه لزومی دارد نمازمان را به زبان عربی بخوانیم؟ مگر زبان فارسی از حمل مفاهیم بلند اوراد و اذکار دینی ناتوان است؟ در نوشتار حاضر پس از جستجو و پرسشهای فراوان از متخصصین امر کوشیده شده تا به نحو اجمال و مستدل به شبهه یاد شده پاسخ داده شود.

پاسخ اول:

می دانیم که قرائت حمد و سوره در نماز واجب است. بنا بر آنچه قرآن پژوهان در تبیین ابعاد اعجاز قرآن گفته اند، قوی ترین جنبه اعجاز قرآن، فصاحت و بلاغت و به طور کلی جنبه ادبیات خارق العاده این کتاب شریف آسمانی است.

باید دانست که زبان عربی به خودی خود اعجازی ندارد و آنچه دارای اعجاز است، کلام خداست. شاید بتوان برخی از کلمات زبان عربی را به نحو دقیق ترجمه کرد اما کلام خدا به دلیل همین جنبه اعجازگونه اش به هیچ وجه ترجمه پذیر نیست، از این رو اگر قرار باشد نمازمان را به زبان فارسی بخوانیم آنگاه در ترجمه اولین جمله آن در خواهیم ماند، چرا؟

چون به عنوان مثال کلمه "الله" در آیه شریفه "بسم الله الرحمن الرحيم"، اسمی است که جامع جمیع اسماء و صفات الهی است به همین دلیل ترجمه ناپذیر است.

هیچ کدام از معادلهایی که برای ترجمه این کلمه پیشنهاد کرده اند دقیق نبوده و نمی تواند حتی یک هزارم بار معنایی کلمه "الله" را به دوش کشد، به عنوان مثال، کلمه خدا که برابر نهاده "الله" در زبان فارسی است به معنای "صاحب" یا "خودآ" ست یعنی همان چیزی که فلاسفه به آن می گویند "واجب الوجود" و واجب الوجود تنها یک ویژگی از ویژگیهای "الله" را به تصویر می کشد، که همان جنبه ذاتی و ضروری وجود خداوند است.

همینطور است کلمه های "رحمن" و "رحیم". تمام معادل هایی که در زبان فارسی برای این دو کلمه نهاده اند نارساست، مثلاً "بخشاینده" فراخ بخشایش"، "بخشایشگر" و... همه به معنای کلمه "جواد" (به عربی) است یعنی کسی که در بخشش گشاده دست است، حال اینکه رحمن، اشاره به رحمت فراگیر خداوند دارد که گستره آن، همه را شامل می شود اعم از کافر و مومن، و کلمه "رحیم" ناظر به وصف رحمانیت خاص خداست که در آخرت تنها شامل حال مومنان می شود.

زبان عربی به خودی خود اعجازی ندارد و آنچه دارای اعجاز است، کلام خداست. شاید بتوان برخی از کلمات زبان عربی را به نحو دقیق ترجمه کرد اما کلام خدا به دلیل همین جنبه اعجازگونه اش به هیچ وجه ترجمه پذیر نیست،

پاسخ دوم:

نماز "عبادت" است و روح عبادت، "تسلیم"، بنابراین کسی که به آیین اسلام گردن نهاده و خود را مسلمان می نامد می بایست تسلیم خواسته پروردگار باشد. انشاء نماز به زبان عربی خواست خداست و اگر بنده، خواست خود را بر خواست معبود ترجیح دهد در حقیقت خود را عبادت کرده نه معبود را.

ممکن است بگویید چرا خداوند چنین چیزی را خواسته است؟

پاسخ این است که اراده خدا مبتنی بر پاره ای حکمت ها و مصالح است، شاید برخی از این حکمت ها برای ما روشن باشد و ممکن است پاره ای دیگر را ندانیم اما همین اندازه که به حکم صریح آیات قرآن پذیرفته ایم خدا حکیم است، کفایت می کند چرا که می دانیم حکیم هیچگاه کار لغو و بیهوده نمی کند. بنا براین باید به آنچه خداوند اراده کرده است (قرائت نماز به زبان عربی) تن داده و تسلیم رضای معبود شویم تا به معنای حقیقی کلمه خدا را "عبادت" کرده باشیم.

پاسخ سوم:

قرائت نماز به زبان عربی عامل وحدت بخش میان ملل اسلامی در اقاصا نقاط جهان است.

توضیح بیشتر اینکه "وحدت" یکی از ارکان امت اسلامی است و آویختن به این ریسمان و حبل متین خدایی، حقیقت اسلام را از گزند دشمنان و دین ستیزان حفظ می کند. طبیعی است که خداوند برای تحقق این آرمان تدابیری بیندیشد که از جمله آنها، وجود زبانی مشترک در میان همه پیروان اسلام است. این همان چیزی است که ما از آن تحت عنوان "حکمت های" عربی خواندن نماز یاد کردیم.

یک رنگی برخی از عبادات چون حج، نماز و... برای تحقق همین هدف متعالی است.

درباره اذان نیز چنین است. اگر بنا باشد هر کشوری برای خود اذانی متناسب با زبان خود برگزیند آنگاه چنانچه مسافر بیگانه مسلمانی به کشور آنها وارد شود و بخواهند برای انجام فریضه نماز به مسجد بروند، به هنگام پخش اذان متوجه نخواهد شد که این اذان است یا آواز.

همه ساله صدها هزار مسلمان از نقاط مختلف جهان برای شرکت در کنکره عظیم حج، به مکه مشرف می شوند، تصور کنید اگر بنا باشد هر کس در نماز جماعت مسجد الحرام به زبان خودش نماز بخواند آنگاه آیا فلسفه حج که همان همزاد پنداری و وحدت بین المللی مسلمین است، تحقق می یابد؟ حاشا و کلا.....!



چقدر زود می‌گذره

پیرمردی با لبخند باز کنار دیوار کوچه نشسته بود انگار من نیامده
به من لبخند زده بود

کوچه ما سرازیری تندی دارد و پیرمردی هر روز در ابتدای
کوچه, در انتهای سرازیری می‌نشیند

با خود می‌گویم امروز از او می‌پرسم به چه می‌خندی؟!
باز تند از کوچه پایین آمدم اما انگار او رفته بود انگار سراسیمگی را
تمام کرده بود و باز انگاری لبخندی برای من جا گذاشته بود
کوچه ما هنوز سراسیمگی تندی دارد اما من دیگر نمی‌توانم تند
پایین بیایم

گاهی که نفسم می‌گیرد می‌نشینم و به بچه‌های که تند و تند
پایین می‌آیند می‌خندم

دیروز پسر بچه‌ای از من پرسید بابا بزرگ چرا می‌خندی؟!



چقدر ما کارمان را دوست داریم!

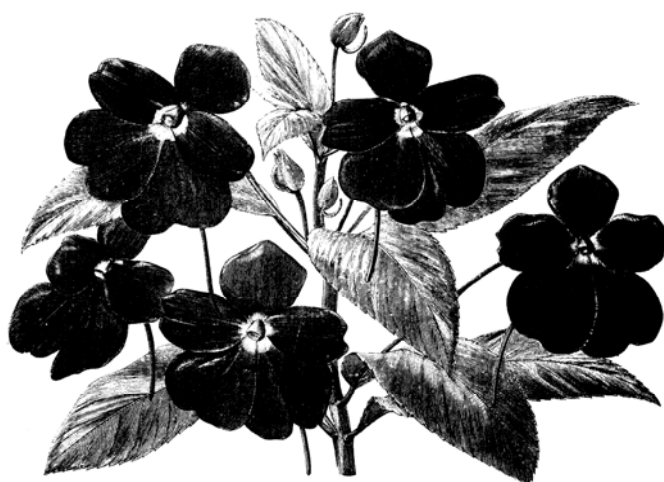


یکی از مدیران آمریکایی که مدتی برای یک دوره آموزشی به ژاپن رفته بود، تعریف کرده است که:

روزی از خیابانی که چند ماشین در دو طرف آن پارک شده بود می گذشتم. رفتار جوانکی نظرم را جلب کرد. او با

جدیت و حرارتی خاص مشغول تمیز کردن یک ماشین بود. بی اختیار ایستادم. مشاهده فردی که این چنین در حفظ و تمیزی ماشین خود می کوشد مرا مجذوب کرده بود. مرد جوان پس از تمیز کردن ماشین و تنظیم آینه های بغل، راهش را گرفت و رفت چند متر آن طرفتر، در ایستگاه اتوبوس منتظر ایستاد. رفتار وی گیجم کرد. به او نزدیک شدم و پرسیدم: «مگر آن ماشینی را که تمیز کردید متعلق به شما نبود؟»

نگاهی به من انداخت و با لبخندی گفت: «من کارگر کارخانه ای هستم که آن ماشین از تولیدات آن است. دلم نمی خواهد اتومبیلی را که ما ساخته ایم کثیف و نامرتب جلوه کند.»



چگونگی دور کردن نگرانی ها



خوشبختانه نگرانی مزمن یک عادت ذهنی است که می توان روش های مبارزه با آن را یاد گرفت. می توانید مغز خود را به آرامش دعوت کرده و به زندگی با دیدی مثبت نگاه کنید.

چرا به نگرانی ادامه می دهید و آیا توقف آن کار مشکلی است؟ شما احساسات متناقضی در مورد نگرانی تان دارید. از یک طرف نگرانی ها، شما را آزار می دهند و نمی توانید خواب راحت داشته باشید و افکار بدبینانه از سر شما بیرون نمی روند و از طرف دیگر احساس می کنید که حتما راه حلی برای از بین بردن آن وجود ندارد. به عنوان مثال فکر می کنید که:

اگر بیشتر فکر کنم حتماً راه حلی پیدا می کنم؛

نمی خواهم شگفت زده بشوم؛

من در برابر انجام آن مسؤولم؛

نمی خواهم چیزی را فراموش کنم و ...

در این دوران اوقات سختی را سپری می کنید، زیرا نگرانی تمام حواس شما را تحت الشعاع قرار می دهد. نگرانی های دائمی خسارت و تلفات سنگینی دارند. شب و روز دچار تنش خواهید بود و این احساس شما را عصبی می کند. بیشتر نگرانی های مزمن با دو بعد از باورهای مثبت و منفی درگیر هستند. در سمت منفی شما باور دارید که این نگرانی به شما صدمه می زند و سلامت جسمی تان را تحت تأثیر قرار می دهد و ممکن است حتی کنترل خود را از دست بدهید و عمل ناشایستی مرتکب شوید. در سمت مثبت شما باور دارید که این نگرانی به شما کمک می کند تا از اتفاقات و چیزهای بد جلوگیری کنید و شما را برای بدترین حالات آماده می کند و همین مسأله به رفع مشکل و پیدا کردن راه حل منجر می شود. باورهای منفی و یا نگرانی در مورد نگرانی، اضطراب شما را افزایش می دهد و به تثبیت آن می انجامد، اما باورهای مثبت در مورد نگرانی نیز می توانند مضر باشند و به همین دلیل است که توقف آن کار مشکلی است. زمانی که تصور می کنید نگرانی به شما کمک و از شما محافظت می کند، به سختی می توانید آن را از خود دور کنید. برای دور کردن نگرانی از خود باید تفکر مثبت در مورد آن را دور بریزید. زمانی که متوجه می شوید نگرانی یک مشکل است و نه یک راه حل، بهتر می توانید ذهن خود را کنترل کنید. زمانی که نگرانی و اضطراب بر افکار شما حاکم است، نمی توانید ذهن خلاق داشته باشید و به نظر احساسات تان غیر قابل کنترل خواهد بود. در این مواقع کارهای زیادی می توانید انجام دهید. نگرانی های خود را استدلال و تلاش کنید مثبت فکر کنید.

سعی کنید قدم‌ها را کوتاه کوتاه بردارید.

مسلماً در قدم اول نمی‌توانید نگرانی را به مدت طولانی سرکوب کنید، ولی می‌توانید ذهن‌تان را از آن دور کنید. در واقع تلاش برای انحراف ذهن به ماندگاری و قوی‌تر شدن آن در طولانی مدت کمک می‌کند. می‌توانید آن را امتحان کنید؛ فقط کافی است چشمان‌تان را ببندید و یک فیل بزرگ صورتی رنگ را تصور کنید. به محض اینکه توانستید آن را در ذهن خود مشاهده کنید، این کار را متوقف کنید. چه اتفاقی رخ می‌دهد، آیا تا ۵ دقیقه بعد می‌توانید به آن فکر نکنید؟! توقف ذهن در واقع نیرویی است که شما را به سمت آنچه که از آن فرار می‌کنید، هدایت می‌کند؛ ولی این بدان معنا نیست که برای کنترل نگرانی خود نمی‌توانید هیچ کاری انجام دهید، فقط کافی است روش‌های مختلف را امتحان کنید و در اینجاست که راهکار به تعویق انداختن نگرانی مطرح می‌شود. به جای تلاش برای توقف و یا خلاصی از شر افکار مضطرب سعی کنید زمان فکر کردن به آنها را به تعویق بیندازید.

یک زمان نگرانی برای خود در نظر بگیرید و هر گاه در طی روز نگران چیزی می‌شوید، آن را از ذهن خود دور کنید و به خود بگویید حالا وقت افکار منفی و نگرانی نیست. مثلاً هر روز ۲۰ دقیقه را به نگرانی‌های خود اختصاص دهید و به آن فکر کنید. در طی این زمان اجازه خواهید داشت به هر آنچه که شما را نگران می‌کند فکر کنید.

اگر در طی روز مضطرب شدید، خلاصه‌ای از نگرانی خود را روی کاغذ بنویسید و فکر کردن به آن را به زمان نگرانی خود، موکول کنید. به خود یادآوری کنید که فرصت کافی برای فکر کردن به آن را دارید و هیچ نیازی به نگرانی در مورد آن در حال حاضر وجود ندارد و سپس روز خود را طی کنید.

در طول زمانی که برای فکر کردن به نگرانی اختصاص داده‌اید آنچه را که در طی روز یادداشت کرده‌اید، بررسی کنید. اگر هنوز این افکار موجب نگرانی شما می‌شوند، به خود اجازه دهید که در مورد آنها نگران باشید؛ ولی فقط در همان زمانی که به آن اختصاص داده‌اید و اگر اکنون این نگرانی‌ها به نظر مهم نمی‌رسند، آنها را از ذهن خود دور کنید و از بقیه روز خود لذت ببرید. به تعویق انداختن نگرانی‌ها روشی بسیار موثر است و به مرور متوجه می‌شوید که کنترل بهتری روی نگرانی خود دارید.

از خود سؤال کنید که آیا مشکل قابل حل است؟

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به‌طور موقت با تصور این سؤال، احساس اضطراب کمتری خواهید کرد. نگرانی و حل مشکل دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. حل مشکل در

واقع ارزیابی شرایط و برداشتن گام‌های مشخص برای برخورد با آن است؛ اما نگرانی بیش از حد، شما را از رسیدن به راه حل مناسب باز می‌دارد. مهم نیست که چقدر وقت خود را صرف فکر به بدترین شرایط می‌کنید، مهم این است که وقتی آنها اتفاق می‌افتند، هیچ راه حل مناسبی برای برخورد با آنها در ذهن شما وجود ندارد.

❖ میان نگرانی‌های قابل حل و لاینحل تفاوت قائل شوید:

اگر دچار نگرانی شدید، اول از خود سوال کنید که آیا می‌توانید آن را حل کنید؟ آیا نگرانی شما احتمال و خیال‌پردازی است و آیا می‌توانید برای دور کردن آن کاری انجام دهید یا خارج از کنترل شماست؟ برخی از نگرانی‌ها قابل حل هستند؛ مثل نگرانی در مورد عدم پرداخت بدهی. می‌توانید با طلبکار خود صحبت و شیوه‌های مختلف پرداخت را بررسی کنید. برخی دیگر راه‌حلی ندارند؛ مثل نگرانی در مورد اینکه ممکن است روزی دچار سرطان شوم و یا فرزندم تصادف کند و... اگر نگرانی قابل حل است از تمام روش‌های ممکن، و راه‌حل‌های مختلف را بررسی کنید. بیشتر بر چیزی تمرکز کنید که می‌توانید آن را تغییر دهید و شرایط و واقعیت‌های خارج از کنترل را فراموش کنید. بعد تمامی گزینه‌ها را ارزیابی و برای انجام آن برنامه‌ریزی کنید. قطعاً اکنون احساس بهتری خواهید داشت.

❖ مقابله با نگرانی‌های لاینحل:

اگر نگران موضوعی هستید که هیچ روش پیشگیری و یا راه حلی ندارد چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ اگر مبتلا به نگرانی مزمن هستید و نگرانی‌های شما از این دست مشکلات است، در چنین مواردی کنترل احساسات بسیار مهم است. در اینگونه موارد به محض سرکوب احساسات مجدداً دچار اضطراب می‌شوید. و همیشه علت اینکه چرا چنین فکری می‌کنید را از خود جویا می‌شوید. تنها راه مبارزه با آنها چرخه معیوب و در آغوش گرفتن احساسات است. در ابتدا به دلیل اعتقادات منفی که در احساسات و عواطف شما وجود دارد، ممکن است این امر ترسناک به نظر برسد. حقیقت این است که به رسمیت شناختن احساسات به عنوان بخشی از انسان بودن شماست که می‌توانید در مورد آنها آگاهی بیشتری کسب کرده و میان عقل و احساس‌تان توازن بهتری برقرار کنید. برای ایجاد این توازن به نکات زیر دقت کنید:

❖ قبول عدم قطعیت:

ناتوانی در تحمل عدم اطمینان نقش بزرگی در اضطراب و نگرانی دارد. افرادی که به نگرانی مزمن مبتلا هستند، دائم نگران آینده‌اند، در حالی که نمی‌توانند هیچ روشی برای جلوگیری از اتفاقات ناخوشایند پیدا کنند. ممکن است تصور کنید که با نگرانی احساس امنیت بیشتری دارید، ولی این واقعاً فقط یک توهم است، زیرا زندگی قابل پیش‌بینی نیست. با فکر کردن به اتفاقات بد نمی‌توانید از انجام آنها جلوگیری کنید و فقط شما را از لذت بردن از زمان حال

وای دارد. به سوالات زیر پاسخ دهید تا بتوانید درک درستی از عدم اطمینان وقایع پیدا کنید:

❖ آیا این امکان وجود دارد که این مشکل پیش نیاید یا پیش آمدن آن قطعی است؟ آیا می توان اتفاقات زندگی را پیش بینی کرد؟ آیا این کار منطقی است؟ آیا می خواهیم با فکر اتفاقات منفی در زندگی، روزم را بگذرانم در صورتی که احتمال وقوع آنها بسیار پایین است؟

افکار مضطرب خود را به چالش بکشانید

افرادی که از نگرانی های مزمن رنج می برند، جهان را خطرناک تر از نوع واقعی آن تصور کرده و همیشه بدترین حالت ها و فیلم نامه ها را پیش بینی می کنند و توانایی خود را در رسیدگی به مشکلات نادیده می گیرند. این نگرش واقعا غیر منطقی و بدبینانه است و به عنوان تحریفات شناختی در نظر گرفته می شود. در واقع تفکری است که براساس واقعیت شکل نگرفته و رها کردن آنها نیز آسان نیست و گاه به یک الگوی فکری مادام العمر تبدیل می شود که به طور ناخودآگاه و اتوماتیک در ضمیر فرد شکل می گیرد. برای شکستن این عادت بد باید مغز خود را مجدداً آموزش داد. ابتدا هر آنچه را که موجب ترس و نگرانی شما می شود، شناسایی کنید و سپس به جای در نظر گرفتن آنها به عنوان حقیقت، آنها را فرضیه تصور کنید و آن را به چالش بکشید تا چشم انداز متعادل تری نسبت به آینده داشته باشید.

تعریف های شناختی که اضطراب و استرس را بیشتر می کنند

همه یا هیچ: تفکر سیاه و سفید که همه چیز را یا کامل و یا ناقص می دانند و حد وسطی برای آن در نظر نمی گیرد. مثلاً اگر در انجام کاری موفق نشوید، فکر می کنید بدبخت ترین آدم روی زمین هستید. و در انجام هیچ کاری موفق نمی شوید. تعمیم یک تجربه منفی:

وقتی دچار یک تجربه منفی در زندگی می شوید، تصور می کنید که این مشکل در تمام عمر همراهتان خواهد بود. مثلاً: من برای این کار استخدام نشدم و هیچ وقت در هیچ کار دیگری نیز استخدام نخواهم شد!

زدن برچسب منفی به خود: براساس اشتباهات و کاستی ها، فرد به خود برچسب منفی می زند. مثلاً: من آدم احمقی هستم!

به عهده گرفتن وقایعی که خارج از مسؤولیت شماست:

افرادی که خود را مسؤول همه چیز، حتی اتفاقات بد زندگی دیگران می دانند، استرس زیادی خواهند داشت؛ مثل: تقصیر من بود که به پسرم یاد ندادم در حین بارندگی دقت کند وگرنه او تصادف نمی کرد.

استدلال هیجانی:

با توجه به احساسات، تصویری در ذهن تان حک می کنید و خیال می کنید که کاملاً منطقی است. مثلاً: احساس می کنم وحشت زده ام و احتمالاً در معرض خطر واقعی فیزیکی قرار گرفته ام.

در نظر گرفتن بدترین فیلم نامه برای خود. مثلاً: خلبان گفت مشکلی پیش آمده، احتمالاً سقوط می کنیم.

نتیجه گیری بدون شواهد منطقی و با توجه به تفسیرهای منفی همچون ذهن خوانی دیگران مثلاً: من می دانم که او از من متنفر است.

تمرکز را تمرین کنید

نگرانی معمولاً مربوط به حوادث آینده است سعی کنید با تمرکز بر حال و جمع کردن حواس تان نگرانی را کاهش دهید. برخلاف راهکار قبلی که حاکی از به چالش کشیدن مشکلات بوده در این راهکار باید آنها را مشاهده کنید و اجازه دهید آنها دفع شوند.

افکار و احساسات اضطرابی خود را شناسایی و مشاهده کنید. سعی نکنید آنها را نادیده بگیرید و یا به مبارزه در عوض به سادگی آنها را از بیرون مشاهده کنید؛ بدون اینکه واکنش نشان دهید و یا آن را قضاوت کنید.

اجازه دهید که نگرانی ها از بین بروند. هنگامی که سعی نمی کنید آنها را کنترل کنید همچون ابری که از آسمان می گذرد، آنها برطرف می شوند.

به حال حاضر فکر کنید. به بدن تان توجه کنید، به ریتم تنفس خود دقت کنید. تمرکز به زمان حال شما را از خیالبافی در مورد آینده وای می دارد. با استفاده از مدیتیشن به راحتی می توانید این کار را انجام دهید و عادات ذهنی خوب را تقویت کنید.

به یاد داشته باشید که دیگران بر روی شما تأثیر می گذارند: اینکه امروز شما چه احساسی دارید، به عوامل و افراد مختلفی همچون اطرافیان تان مرتبط می شود. مطالعات نشان می دهند که عواطف مسری هستند. خلق و خوی دیگران حتی غریبه هایی که هرگز یک کلام هم با آنها حرف نمی زنید، روی احساس شما تأثیر می گذارد. بنابراین افرادی که مدت زیادی را با آنها سپری می کنید. تأثیر بسیاری روی احساسات شما دارند.



ممکن است متوجه نباشید که چقدر دیگران و شرایط آنها روی شما تأثیر می گذارند. شاید به همین دلیل است که گاه به طور ناخودآگاه

دچار نگرانی و اضطراب می‌شوید. نوشتن و گوش دادن به خاطرات بد دیگران موجب افزایش نگرانی می‌شود.

دوستان خود را با دقت انتخاب کنید. صحبت با برخی افراد موجب نگرانی، اضطراب و شک و تردید در شما می‌شود.

زمان کمتری را با افرادی که شما را مضطرب می‌کنند، صرف کنید.



تقصیر فلک نیست که ما بی سر و پاییم

چون ابر ، پریشانی ما از کرم ماست

*

چو باد، همسفر خویش را به جا مگذار

رفیق اگر همه بار دل است، وا مگذار

*

بس که حیران تماشای جمال تو شدم

همچو گل دوختن چاک دل از یادم رفت!

*

ز سیر گلشن دنیا از آن به خار خوشم

که چیده اند حریفان رفته گلها را!

«سید علی صیدی طهرانی»

بی طالعی نگر که من و یار چون دو چشم

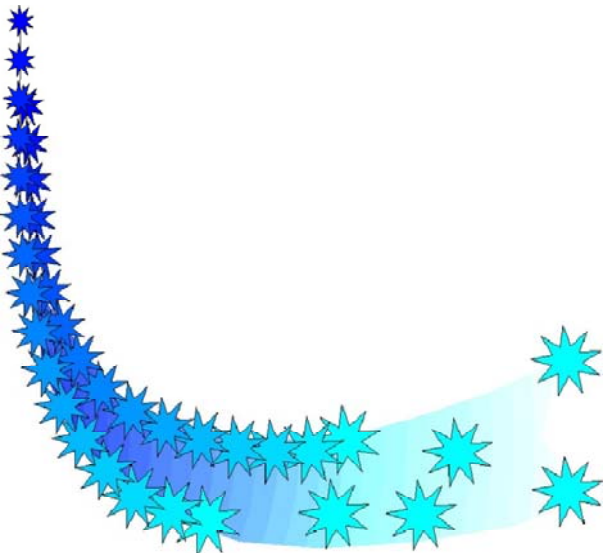
همسایه ایم و خانه هم را ندیده ایم!

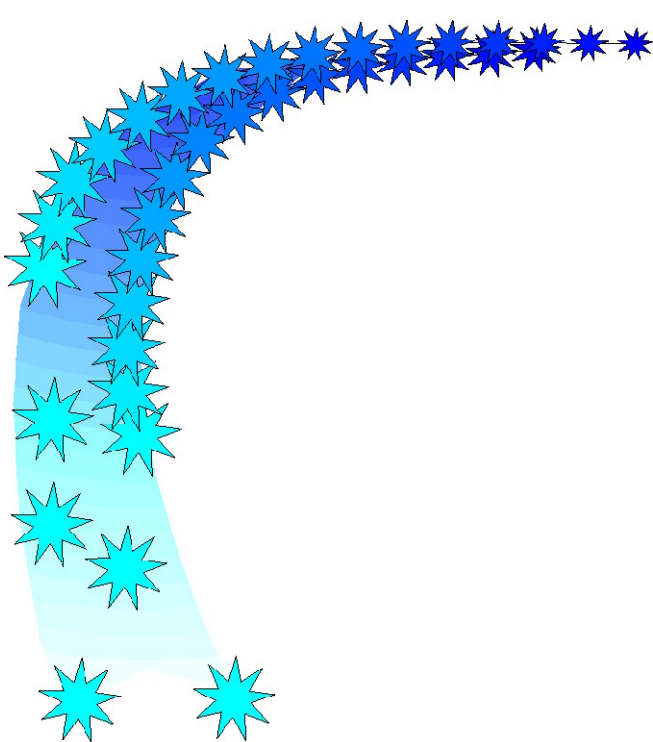
«سید علی صیدی طهرانی»

گنه از جانب ما نیست اگر مجنونیم

گوشه چشم تو نگذاشت که عاقل باشیم

«نجیب کاشانی»





در بند آن نی ام که دشنام یا دعا ست
یادش بخیر هر که ز ما یاد میکند

« صائب »

نومید نیستم ز ترازوی عدل حق
زان سر دهند هر چه ازین سر نداده اند

کوه از بالا نشینی رتبه ای پیدا نکرد
جاده از افتادگی از کوه بالا می رود

« صائب »

من از بی قدری خار سر دیوار دانستم
که ناکس کس نمی گردد از این بالانشینها

دست و پایی می توان زد ، بند اگر بر دست و پا ست
وای بر حال گرفتاری که بندش بر دل است

« صائب »

آنقدر کز تو دلی چند بُود شاد بس است زندگی به مراد همه کس نتوان کرد

چرا خورم غم دنیا به این دو روز اقامت؟ چو بازگشت به این منزل خراب ندارم

مست شد ،خواست که ساغر شکند، عهد شکست

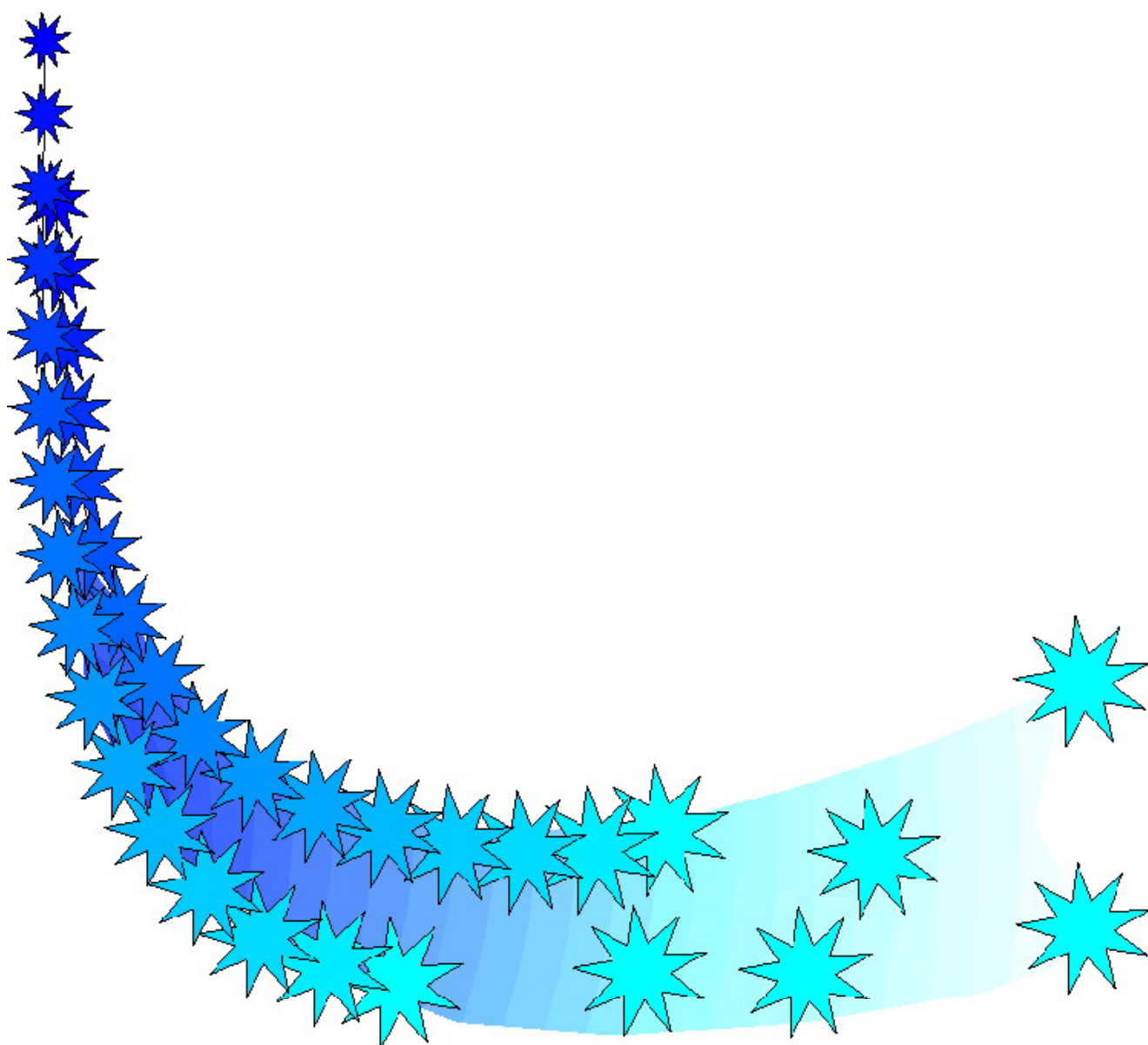
فرق پیمانه و پیمان، زکجا داند مست...

از هر طرفی رفت دلم ، راه به غم بود

یک کوچه بن بست در این شهر ندیدیم

در موسم زمستان سعدی دو چیز خواهد

یا آفتاب رویی یا رو به آفتابی



چه سوره هایی پیامبر را پیر کرد؟؟



پاسخ: پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرمود که **سوره هود** مرا پیر کرد.

در تحلیل این سخن آرا و نظرهای گوناگونی مطرح شده که برخی عبارتند از:
حکیم سبزواری معتقد است که ویژگی سوره هود این است که خداوند در آن، دستور به استقامت و پایداری، به رهبر و امت اسلامی داده است؛

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّنْ تَابٍ مَّعَكَ»؛ هود (۱۱)، آیه ۱۱۲.

«تو و همراهانت، پایدار باشید». رسول حق، باید به گونه‌ای زندگی کند که تا پایان راه، انسان‌های پایدار، او را همراهی کنند و این، بسیار دشوار است؛ هم استقامت شخصی دشوار است و هم استقامت امت.

به باور علامه طباطبایی، آن چه جامع بین سوره هود و سوره واقعه و پیر کننده است، قیامت است؛ چون مسئله قیامت، در این دو سوره مطرح است و شاهد قرآنی استاد علامه این است که قرآن کریم درباره آن روز می‌گوید:

«يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا»؛ مزمل (۷۳)، آیه ۱۷.

عذاب آن روز و شدت و طولانی بودن آن، سبب پیر شدن است و مسئله قیامت، به وضوح در پایان سوره هود آمده است: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ. فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ. خَالِدِينَ فِيهَا...»؛ هود (۱۱)، آیه ۱۰۵ - ۱۰۸.

نویسنده کتاب فتوحات نیز بر این نظر است که آن چه رسول الله (صلی الله علیه و آله) را پیر کرد، همان فرمان «دور باش» خدای سبحان است. خداوند درباره بسیاری از اقوام در سوره هود، دورباد می گوید؛ مانند دور باد قوم ثمود؛ دور باد قوم مدین؛ «أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ»؛ هود (۱۱)، آیه ۹۵.

خبر تلخ دور باد، انسان را پیر می کند؛ زیرا می ترسد که شاید دستور دورباش از ساحت قدس الهی، به قوم وی برسد که البته این بی ارتباط با مسئله قیامت نیست. با در نظر گرفتن آیه «فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» بقره (۲)، آیه ۱۱۵ و آیه «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ»، حدید (۵۷)، آیه

باید دوری از خداوند، به دوری از رحمت خاص او معنا شود و گر نه مجموعه قهر و مهر الهی و جامع جلال و جمال حق، همه جا هست.

استاد جواد آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۶، ص ۳۰۰.



چه شب جمعه‌ای شد؛ اون شب پرستاره



گونه‌هاش خیس خیس شده بود، اما صدا ازش در نمی‌اومد. ریزریز و بی‌صدا اشک می‌ریخت. هر بار که لبش می‌لرزید و تکون می‌خورد، یه ترک جدید به لباس اضافه می‌شد. همین‌طوری زل زده بود به آسمان دور و مثل ابر بهار اشک می‌ریخت بی‌هیچ صدایی. انتظار داشتیم وقتی میاد با سر شیرجه بزند تو دیگ شربت. اما انتظارمون غلط از آب در اومد. اون فقط دیگ رو نگاه کرد و یکباره بهم ریخت.

دونه دونه می‌رفتیم پیشش، هرچی باهاش حرف می‌زدیم، هیچ عکس‌العملی نشون نمی‌داد، هیچی نمی‌گفت فقط سکوت و نگاه؛ همین. فقط موقعی که یه لیوان شربت خنک و تگری گرفتیم جلوش، نفهمیدیم چی شد که **صدای‌های‌اش گریه‌اش بلند شد**. دیگه هیچ چیز و هیچ کس جلودارش نبود. بدجوری ناله می‌زد. فقط چند تا جمله گفت که ما خیلی دقیق منظورشو متوجه نشدیم.



»این قطره‌های آب روی لیوان رو می‌بینی سُر می‌خورند میان پایین؟ اینا عرق شرمه. این آب هم از اینکه او موقعی که باید می‌بود. نبود. شرم کرده. اینم دلش گرفته داره اشک می‌ریزه، من

چطوری اینو بخورم؟ شما رو به خدا فحش ندید. اینو از جلوی چشمم ببرید کنار، نمی خورم.»
گفت و باز سکوت .

اون نامردها هم که فهمیده بودن آب نداریم . چند ده متری ما شیرهای تانکرای آب رو باز کرده بودند و آب تنی می کردند، برای تضعیف روحیه بچه‌ها.

دیده بودیم برای امام حسین (علیه السلام) خیلی دلسوخته عزاداری می کنه. اما الان چرا؟ با این حال چرا **ما گفتیم لابد سیمش وصل شده یاد کربلا کرده** . اما باز هم قانع نشدیم. به هر حال لبوان شربت رو پرپر بر گرداندیم چون اوضاعاشو بدتر می کرد که بهتر نمی کرد. دل همه رو با این اشک‌های ریزریزش ریش کرده بود.

یه دفعه به نظرم رسید دست به دامن سید بشیم. سلمان رو حرف سید حرف نمی زد. خیلی احترامشو داشت. وقتی ماجرا رو برای سید تعریف کردم، گفت الان وقتش نیست، زمان لازم داره تا حالش خوب بشه. بگذارید فردا شب **شب جمعه است می رم سراغش**.

کارمون شد شمردن ساعت‌ها و دقیقه‌ها و ثانیه‌ها تا شب جمعه بیاد. حالا مگه زمان می گذشت. می رفتیم و می آمدیم، نگاهش می کردیم، غصه می خوردیم. خیلی سخته آب شدن یه آدم دوست داشتنی رو که برای همه عزیز بود و دلسوز جلوی چشمت بینی، اما نتونی کاری از پیش ببری. بالاخره انتظار به سر رسید. شب جمعه که اون همه منتظرش بودیم، اوامد.



سید یه ساعتی مونده به دعای کمیل پرده سنگر و زد کنار و رفت سراغ سلمان. فکر کنم همه زیر نظرش داشتیم. دستشو گذاشت روی دوش سلمان و گفت: پسر در چه حالی؟ **تنبل شدی‌ها! یه وقت**

از جات تکنون نخوری! خوبه این نمازها هست، و گر نه الان اینجا یه دشت سرسبز شده بود از علف‌های زیر پای تو. بعد هم نشست کنارش و آروم آروم شروع کرد به حرف زدن. انگار با هم نجوا می کردند.

ما تو تدارک دعای کمیل بودیم که **یک دفعه دیدیم سید هم شروع کرد بلندبلند گریه کردن. حالا بیا و درستش کن،** چه می خواستیم. چه شد. یکی کم بود، دو تا شد. تو همین گریه دار صدای سلمان بلند شد.

«سید تو بگو، تو بودی چه حالی بودی. **تو بودی آب می خوردی!** می دونی چندتا شون از بی آبی رفتن؟ شماها که آخه نبودین. ترک های لباسونو ندیدین، صورتای معصوم و چشمهای ملتمس اونا رو که ندیدین، نبودین صدای التماس آب آب شونو بشنوید. همین علی اکبر، وسط شط رفت. **بین اون همه آب وسط رودخانه، تشنه شهید شد.** وقتی از شناسایی بر می گشتیم، زخمی بود، خون ریزیش شدید بود. تو بگو سید می شد از شط بهش آب داد؟



اون یکی اسمشو نمی دونم. تشنه بود، قمقمه هم دستش. خورده خورده آب قمقمه رو می ریخت روی لبای خشک زخمی ها. **دریغ از یه قطره که خودش لب بزنه. یه ریگ گذاشته بود تو دهنش که دهنش خشک نشود.** وقتی با این حال دیدمش یاد **شعب ابوطالب** افتادم.

اون نامردها هم که فهمیده بودن آب نداریم. چند ده متری ما شیرهای تانکرای آب رو باز کرده بودند و آب تنی می کردند، برای تضعیف روحیه بچه ها. اما خدایا شکر که برای بچه های ما هزارها سال قبل فکر یه الگوی تمام عیارو کردی و بچه های ما که صدای آب تنی اونارو که می شنیدند فقط، ناله "یا ساقی العطاشا" شون بلند می شد و روحیه شون قوی تر می شد.

آخه سید تو بگو! تو بودی می تونستی آب بخوری؟

بعضی ها از آب باقیمانده قمقمه شهدا به همدیگر آب می دادن و اشک می ریختن. دلشون خون بود که این قمقمه ها مال کسانی بود که خودشون تشنه رفتند و آب نخوردند که حالا اونا از تشنگی نجات پیدا کنند.

وسط این معرکه طوفان شن و ماسه هم راه افتاد. عباس که هنوز نیمه رمقی برایش مونده بود و روی زمین افتاده بود، دستش هم چند متری اون طرف تر افتاده بود؛ صدام کرد. توی دلم گفتم خدایا! ازم آب نخواد که شرمندش نشم.

وقتی رفتم سراغش، گفتم: سلیمان! داداش! این شن و ماسه ها را از دهنم پاک می کنی؟ دهنم خشکه داره زخم می شه، این کارو می کردم و اشک می ریختم شرمنده بودم که راست راست راه می روم اما کاری نمی تونم بکنم»

اینها رو برای سید تعریف می کرد با هم گریه می کردن. ترجیع بند حرفاشم این بود، «آخه سید تو بودی، می تونستی آب بخوری؟»

«علی اصغر یادته سید؟ کوچک که بود سقایی می کرد. همون که از قمقمه اش به زخمی ها آب می داد، رفت سراغ علی اصغر. هر چه التماس کرد. علی اصغر آب نخورد که نخورد. وقتی دید پسر خیلی التماسش می کنه با همون صدای بریده بریده اش گفت: می خوام وقتی آقام میاد از روش خجالت بکشم؟ اگه من الان آب بخورم وقتی آقام میاد چطوری تو روش نگاه کنم؟

این رو گفت و با یه لبخند چشماشو بست.

شلمچه دور تا دورش آبه سید. می فهمی؟ اونوقت این همه تشنه از همون جا رفتن.



آخه سید تو بودی. می تونستی آب بخوری؟ **کربلایی بود**
سید. عجب کربلایی! من بیچاره هم که از کاروانشون

جاموندم»

اینو که گفت ساکت شد. اما دیگه فقط اون بود که ساکت بود، یه دسته پشت سرش زار زار گریه می کردن. همه دشت رو صدای بچه ها برداشته بود. سلیمان بلند شد یکی یکی به پای بچه ها افتاد و از اینکه ناراحتشون کرده ازشون عذرخواهی کرد. این کارش گریه بچه ها را شدیدتر می کرد. بچه ها همه با هم می گفتن: **آخه سید تو بودی می تونستی آب بخوری؟**

صدای دعای کمیل خوندن سید وسط صدای ناله بیچه‌ها بلند شد.

چه شب جمعه‌ای شد، اون شب پرستاره!



چه کسی را لیبک می گویی؟



سوره ابراهیم آیه ۲۲

وقتی جهنمیان شیطان را به نوعی مقصر در جهنمی شدنشان
می دانند شیطان در جهنم به آنان اینگونه سخن می گوید:

شیطان:

إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ

خدا به شما وعده های راستین و حق داد

و من نیز به شما وعده دادم اما وعده هایم را زیر پا گذاشتم

بی حجابی از کدام جنس وعده هاست و با بی حجابی به وعده
و دعوت چه کسی لبیک می گوئیم؟



چه نمازی تنهی عن الفحشاء و المنکر است

نماز عبادی سیاسی اجتماعی اخلاقی دینی
امام حسین (علیه السلام)



نماز و اتحاد قلبها



نماز و ایستادگی



نماز و دانشجو



نماز جماعت بی ریا



نماز و ایشار جان



نماز و وحدت مسلمين



نماز و شرمندگی ما



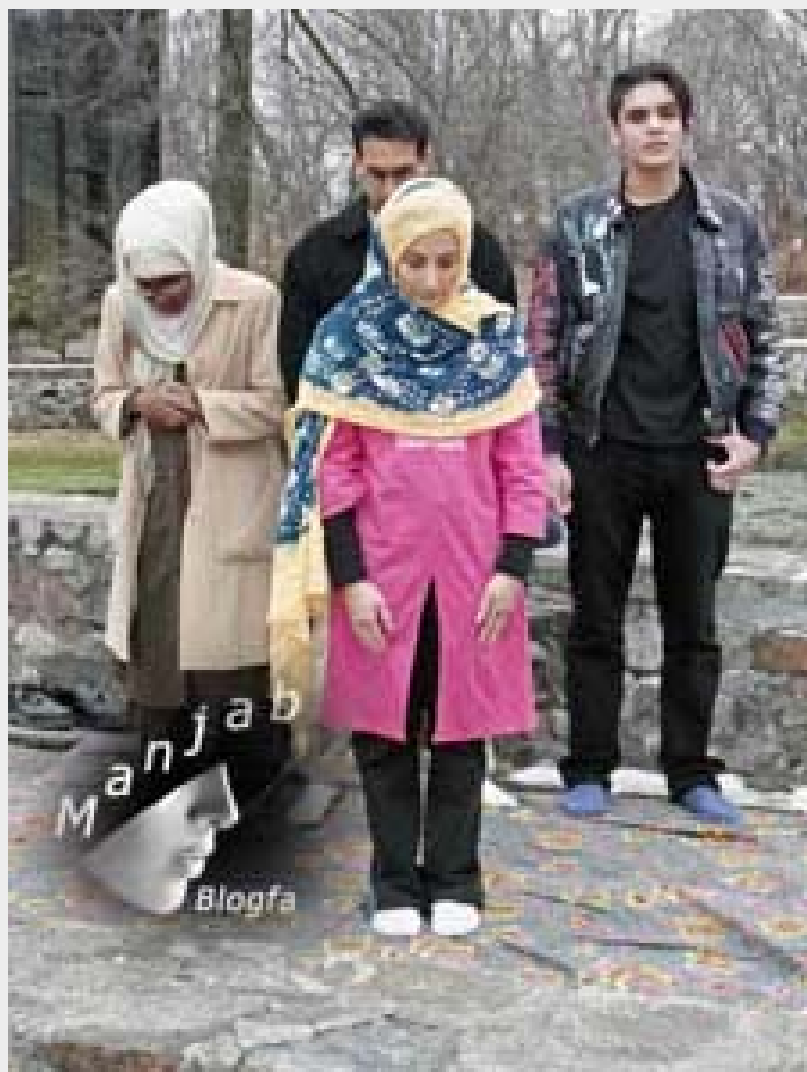
نماز و قبله گاه بعضی ها



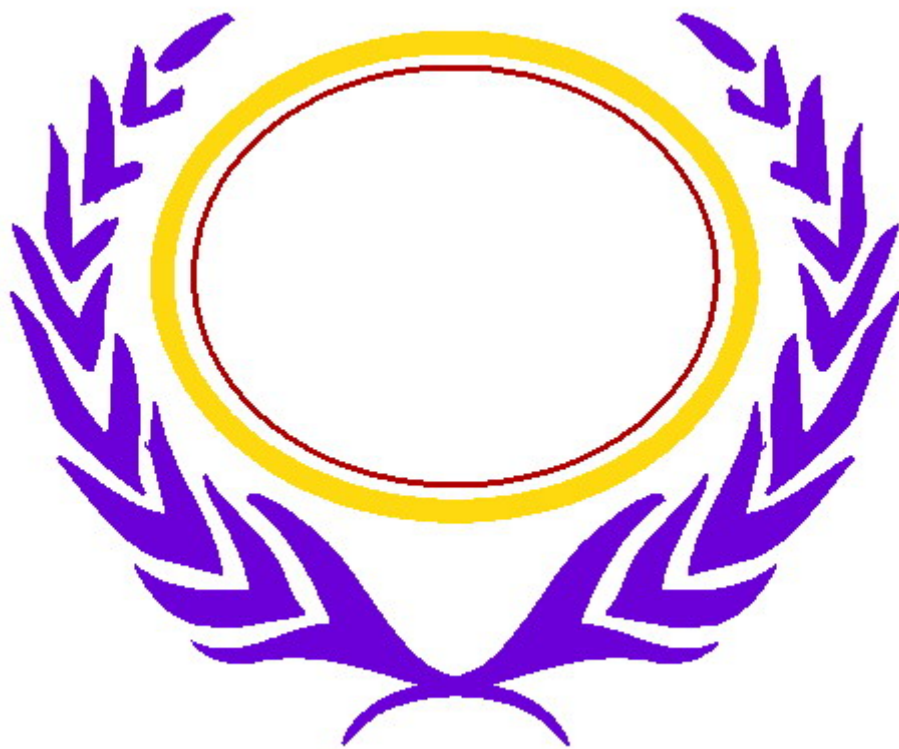
نماز در سفره سیاست



نماز جماعت در سبد انحراف



نماز قذافيان



چهار ذکر الهی برای چهار حالت بحرانی



حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده است: در شگفتم برای کسی که از چهار چیز بیم دارد، چگونه به چهار کلمه پناه نمی‌برد!

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده است: در شگفتم برای کسی که از چهار چیز بیم دارد، چگونه به چهار کلمه پناه نمی‌برد! -

۱- در شگفتم برای کسی که ترس بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر «حسبنا الله نعم الوکیل...» (سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۷۱) پناه نمی‌برد. در صورتی که خداوند به دنبال ذکر یادشده فرموده است: پس (آن کسانی که) به عزم جهاد خارج گشتند، و تخویف شیاطین در آنها اثر نکرد و به ذکر فوق تمسک جستند) همراه با نعمتی از جانب خداوند (عافیت) و چیزی زاید بر آن (سود در تجارت) باز گشتند و هیچ گونه بدی به آنان نرسید.

۲- در شگفتم برای کسی که اندوهگین است چگونه به ذکر «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین*» (سوره مبارکه انبیاء آیه ۸۷) پناه نمی‌برد؛ زیرا خداوند به دنبال این ذکر فرموده است: «پس ما یونس را در اثر تمسک به ذکر یادشده، از اندوه نجات دادیم و همین گونه مومنین را نجات می‌بخشیم.» (سوره انبیاء آیه ۸۸)

-

۳- در شگفتیم برای کسی که مورد مکر و حيله واقع شده، چگونه به ذکر «افوض امری الی الله، ان الله بصیر بالعباد» (سوره مبارکه غافر آیه ۴۴) ... پناه نمی‌برد؛ زیرا خداوند به دنبال ذکر فوق فرموده است: «پس خداوند (موسی را در اثر ذکر یادشده) از شر و مکر فرعونیان مصون داشت.» (سوره غافر آیه ۴۵)



۴- در شگفتیم برای کسی که طالب دنیا و زیبایی‌های دنیاست، چگونه به ذکر «ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» (سوره مبارکه کهف آیه ۳۹) پناه نمی‌برد؛ زیرا خداوند بعد از ذکر یادشده فرموده است: «مردی که فاقد نعمت‌های دنیوی بود، خطاب به مردی که از نعمتها برخوردار بود) فرمود: اگر تو مرا به مال و فرزند، کمتر از خود می‌دانی امید است خداوند مرا بهتر از باغ تو بدهد.»



چهل حدیث در مورد حجاب زن و مرد

۱- امام علی علیه السلام فرموده اند: پوشیده و محفوظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست. غرر الحکم (۵۸۲۰)

۲- امام صادق علیه السلام می فرمایند: حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر می باشد. (المستدرک، ج ۵)

۳- امیرالمومنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز می داری، چرا که حجاب برای آنها ثبات بیشتری به ارمغان می آورد. از خروج بی حساب و بی رویه زنان جلوگیری کن، زیرا مفاسدی دارد؛ و اگر می توانی، کاری کن که همسرانت غیر از تو را نشناسند و با مردان رفت و آمد نداشته باشند

۴- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل فرمود که: روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه علیها سلام برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود: «چرا از او رو می گیری، او که تو را نمی بیند؟» فاطمه عرض کرد: «او مرا نمی بیند، اما من که او را می بینم. و او اگر چه مرا نمی بیند ولی بوی مرا که حس می کند

۵- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت جبرئیل (علیه السلام) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند.

۶- در یک روز بارانی حضرت علی (علیه السلام) با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بقیع بودند که زنی سوار بر الاغ از آنجا عبور می کرد. ناگهان پای الاغ در چاله ای فرو رفت و زن از بالای آن به زیر افتاد. رسول خدا به سرعت روی خود را برگرداند. حاضران به رسول خدا گفتند این زن شلوار به تن دارد. حضرت سه بار فرمود: خداوند زنان شلوار پوش را رحمت کند. سپس فرمودند: ای مردم! شلوار را به عنوان پوشش برگزینید؛ چرا که از پوشاننده ترین لباس های شماسست. و به وسیله ی آن از زنان خود به هنگام خروج آنان از منزل محافظت کنید. (البته باید توجه داشت که پیامبر، شلوار را به عنوان مکمل پوشش مطرح کردند، نه جایگزین پوشش!)

۷- پیامبر فرموده اند: خدا مردانی را که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند ، نفرین کرده است.

۸- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: سه گروه، هرگز داخل بهشت نمی شوند: ۱- زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد و...

۹- امام علی علیه السلام می فرماید: بهترین لباس ؛ لباسی است که تو را از خدا به خود مشغول نسازد.

۱۰- در حدیث قدسی آمده است: به بند گانم بگوئید به لباس دشمنانم در نیایند و خود را شبیه دشمنان من نکنند که در این صورت آنها هم دشمنان من خواهند بود

۱۱- پیامبر می فرمایند: خداوند شما را از عریان شدن نهی کرده است پس شرم کنید از فرشتگانی که همراه شما هستند همان گرامیانی که از شما جدا نمی شوند مگر هنگام قضای حاجت و خلوت کردن با همسر

۱۲- از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدند: آیا در تنهایی می توانیم کشف عورت کنیم؟ حضرت جواب دادند: خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود. (سنن ابن ماجه)

۱۳- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند شما را از عریان شدن باز داشته است؛ (بحار الانوار ج. ۵۶) لذا از عریان شدن پرهیزید. (سنن الترمذی)

۱۴- حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: وقتی کسی عریان شود، شیطان به او نظر می اندازد و در او طمع می کند؛ پس خود را بپوشانید. (تهذیب)

۱۵- پیامبر سه بار فرمود: خدایا! زنان شلوار پوش را بیامرز. ای مردم! شلوار بپوشید که شلوار پوشاننده ترین جامه های شماس است و زنان خود را در موقعی که بیرون می آیند با شلوار حفظ کنید

۱۶- پیامبر فرمود: صیانت زن او را شادابتر و زیبایی اش را پایدارتر می کند

۱۷- پیامبر فرمود: غذائی بخور که خود می پسندی ولی لباسی بپوش که مردم می پسندند

۱۸- در روایت است که برای پیامبر چند قواره پارچه آوردند پیامبر قواره ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود که این را دو قسمت کن: قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود

روسی کند. بعد به وی فرمود: به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد. (سنن أبی داود، ج ۲)

۱۹- رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: هلاکت زنان امت من در دو چیز است: «طلا و لباس نازک». (شیخ مفید، امالی).

۲۰- حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: بر شما باد بر پوشیدن لباس ضخیم؛ چرا که هر کس لباسش نازک باشد، دینش نازک است.

۲۱- اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد درحالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روی خویشرا از وی برگرداند و فرمود: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر از مچ دست به پایین و صورتش (الدر المنثور ج ۵)

۲۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وضعیت دوران ما را از قبل پیش بینی می کنند: در آخر امت من، مرد نماهایی هستند که سوار بر وسایل نقلیه خود، بر در مساجد پیاده می شوند. زنان اینان، پوشیده‌هایی برهنه‌اند که موهایشان برآمده است. این‌ها زنان نفرین شده‌اند. (المحاسن، ج ۱)

۲۳- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: برای زن جایز نیست مچ پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می شود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت می کنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است. هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند و همچنین موی سر و مچ پای خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسیت به خود خشمگین کرده است.

۲۴- رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: ۱- زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیر شوهر مگذار و در غیاب شوهر خود را خوشبو مکن و مچ پا را نشان مده اگر چنین کنی دینتان را تباه و خدا را به خشم آورده اید.

۲۵- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زنان را از پوشیدن لباس‌های توجه برانگیز بر حذر می داشتند.

۲۶- امام صادق (علیه السلام) به یکی از خواهران محمد بن ابی عمیر فرمود: وقتی که به دیدار برادرت رفتی لباسهای رنگارنگ و تحریک آمیز بر تن نکن.

۲۷- رسول حق (صلی الله علیه و آله) به حولا فرمود: روسری خود را که جلب نظر می کند نشان مده اگر چنین کنی دیتان را تباه و خدا را به خشم آورده ای.

۲۸- امام رضا (علیه السلام): هر کس لباس بپوشد تا مباحات و جلوه گری کند خدا رحمتش را از او باز می دارد (همراه با نماز).

۲۹- پیامبر فرمود: لباسی بپوش که انگشت نمای مردم نشوی و عزت و احترامت هم محفوظ بماند.

۳۰- فضیل بن یسار می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا ساعد های زن از قسمتهائی است که باید از غیر محارم بپوشاند؟ فرمود بلی و آنچه زیر روسری قرار می گیرد باید پوشیده شود همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشیده شود. (کافی جلد ۵)

۳۱- نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نا محرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن (درع)، روسری (خمار)، پوششی وسیع تر از روسری که بر روی سینه می افتد (جلباب) و چادر (ازار). (مجمع البحرین).

۳۲- عایشه می گوید: دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه ام آمد. در همان هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند. (جامع البیان، ج ۹)

۳۳- امام صادق (علیه السلام) می فرمودند: «سزاوار نیست زن مسلمانی، لباسی بپوشد که بدن وی را نمی پوشاند»

۳۴- عبدالله بن عباس، مفسر و شاگرد سرشناس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گفته است: زن (باید) مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند. (مجمع البیان، ج ۷)

۳۵- از حدیث امام باقر استفاده می شود که محارم زن مانند برادر، پدر و ... حق ندارند به همه جای زن بنگرند و زن نیز نباید بگذارد پایین تر از جای گردنبد و بالاتر از میچ دست آشکار گردد. چنین نیست که زن نزد محرمها، هر لباسی بپوشد و با هر آرایشی بیرون آید و اندام خود را بنمایاند.

۳۶- یکی از اصحاب پیامبر می گوید روزی نشسته بودم و لباسم کنار رفت و ران پایم پیدا شد. پیامبر که در حال عبور بودند، به من گفتند: ران خود را بپوشان که جزء عورت است. (مسند احمد) (قابل توجه برخی آقایان)

۳۷- حضرت موسی (علیه السلام) آن قدر بر پوشیدگی خود محافظت می کرد که مردم می پنداشتند وی بیماری جسمانی دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره ی او می فرمود: همانا موسی مردی باحیا و پوشیده بود که به دلیل حیایش، هیچ نقطه از بدن وی دیده نشد و لذا هنگامی که می خواست وارد آب شود تا بدنش وارد آب نمی شد، لباس خود را بیرون نمی آورد؛ در حالی که بنی اسرائیل حیا نمی کردند و در برابر هم برای شستشو برهنه می شدند و به یکدیگر نگاه می کردند.

۳۸- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم هر گاه می خواستند غسل کنند، کسی به وسیله ی پرده ایشان را مستور می ساخت.

۳۹- امام صادق (علیه السلام) پوشیدگی شدید لقمان را از علل حکیم شدن وی می دانند. (قابل توجه کسانی که می گویند پوشش فقط برای زن است)

۴۰- پیامبر روزی یکی از کارگران خود را دید که در فضای باز غسل می کند. به وی فرمود: نمی بینم از خدایت شرم کرده باشی! مزدت را بگیر ما نیازی به تو نداریم. (المصنف)



چهل حدیث گهربار منتخب

قالَ اَلَا مَأمُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى عَلَیْهِ الصَّلَوةُ السَّلَامُ:

۱- مَنْ عَبدَ اللّٰهَ، عَبدَ اللّٰهَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ.

فرمود: هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند.

۲- قالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: وَنَحْنُ رَیْحَانَتَا رَسُولِ اللّٰهِ، وَسَیِّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ یَتَقَدَّمُ، اَوْ یُقَدِّمُ عَلَیْنَا اَحَدًا.

دنباله وصیتش در حضور جمعی از اصحاب فرمود: و ما دو نفر - یعنی حضرت و برادرش امام حسین علیهما السلام - ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و دو سرور جوانان اهل بهشت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی را که بر ما پیشقدم شود یا دیگری را بر ما مقدم دارد.

۳- قالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: وَ اِنَّ حُبَّنَا لَیُسَاقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنَى آدَمَ، کَمَا یُسَاقِطُ الرِّیْحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ. فرمود: همانا محبت و دوستی با ما (اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله) سبب ریزش گناهان - از نامه اعمال - می شود، همان طوری که وزش باد، برگ درختان را می ریزد.

۴- قالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ فَارَقَکُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ یَسْبِقْهُ الا وَتُّونَ، وَلَا یُدْرِکُهُ اِلاْ خِرُونٌ. پس از شهادت پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در جمع اصحاب فرمود: شخصی از میان شماها رفت که در گذشته مانند او نیامده است، و کسی در آینده نمی تواند هم تراز او قرار گیرد.

۵- قالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ کَانَ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ، اِمَّا مُعَجَّلَةٌ وَاِمَّا مُؤَجَّلَةٌ. فرمود: کسی که قرآن را - با دقت - قرائت نماید، در پایان آن - اگر مصلحت باشد - دعایش سریع مستجاب خواهد شد - و اگر مصلحت نباشد - در آینده مستجاب می گردد.

۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ
فرمود: همانا در این قرآن چراغ های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن
شفای دل ها و سینه ها است.



۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ صَلَّى ، فَجَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ كَانَ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ .
فرمود : هر که نماز - صبح - را بخواند و در جایگاه خود بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش
پوششی از آتش خواهد بود.



۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ ، فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ ،
فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا ، وَقَصَّرَ آخَرُونَ فَخَابُوا .

فرمود : خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد.
پس عده ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند
گرفت و گروهی از روی بی توجهی و سهل انگاری خسارت و ضرر می نمایند.



۱۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَكْثَرَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ أَطْلَقَ عِقَالَ لِسَانِهِ ، وَفَتَقَ مَرَاتِقَ ذِهْنِهِ ، وَسَرَّ مَا وَجَدَ
مِنَ الزِّيَادَةِ فِي نَفْسِهِ ، وَكَانَتْ لَهُ وَلَايَةٌ لِّمَا يَعْلَمُ ، وَإِفَادَةٌ لِّمَا تَعْلَمُ .

فرمود : هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد
شد، و ذهن و اندیشه اش باز و توسعه می یابد و بر معلوماتش افزوده می گردد و به سادگی
می تواند دیگران را هدایت نماید.



۱۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاکْتُبُوهُ وَضَعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ.

فرمود: علم و دانش را - از هر طریقی - فرا گیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود - در جای مطمئن - قرار دهید.

۱۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ اَحَبَّهُ، وَمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا.

فرمود: هر کس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.

۱۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلَاكُ الْمَرْءِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبْرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبْرُ هَلَاكُ الدِّينِ، وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ. وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ، وَبِهِ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ.

هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص، حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص می باشد و به وسیله تکبر شیطان - با آن همه عبادت ملعون گردید.

حرص و طمع دشمن شخصیت انسان است، همان طوری که حضرت آدم علیه السلام به وسیله آن از بهشت خارج شد.

حسد سبب همه خلاف ها و زشتی ها است و به همان جهت قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند.

۱۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ اَرْبَعُ اَصَابِعَ، مَا رَأَيْتَ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بَاءُذُنَيْكَ بِاطِلًا كَثِيرًا.

فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه که را با چشم خود بینی حق است؛ و آنچه را شنیدی یا آن که برایت نقل کنند چه بسا باطل باشد.

۱۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَلْعَارُ اءَهْوَنُ مِنَ النَّارِ .

فرمود : سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسان تر است از معصیت و گناهی که موجب آتش جهنم شود.



۱۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا لَقِيَ اءَحَدُكُمْ اءَخَاهُ فَلْيَقْبَلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ .

فرمود: وقتی انسان برادر مؤمن - و دوست - خود را ملاقات نمود، باید پیشانی و سجده گاه او را ببوسد .



۱۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ اَللّٰهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ آجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزِلَتَهُ، وَاَنْ مَّاقَدَرَ لَهُ اءَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ .
فرمود : خداوند شما انسان ها را بیهوده و بدون غرض نیافریده و شما را آزاد، رها نکرده است .
لحظات آخر عمر هر یک معین و ثبت می باشد، نیازمندی ها و روزی هر کس سهمیه بندی و تقسیم شده است تا آن که موقعیت و منزلت شعور و درک اشخاص شناخته گردد .



۱۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَبَسَ ثَوْبَ الشُّهْرَةِ، كَسَاهُ اَللّٰهُ يَوْمَ اَلْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ .

فرمود: هر کس لباس شهرت - و انگشت نما، از جهت رنگ ، دوخت ، مد و ... - بپوشد، روز قیامت خداوند، او را لباس آتشین خواهد پوشاند .



۱۹- سئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَنْ اَلْبُخْلِ؟ فَقَالَ: هُوَ اَنْ يَرَى الرَّجُلُ مَا اءَنْفَقَهُ تَلْفًا، وَمَا اءَمْسَكَهُ شَرْفًا .

از حضرت پیرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود:

معنای آن چنین است که انسان آنچه را به دیگری کمک و انفاق کند فکر نماید که از دست داده و تلف شده است و آنچه را ذخیره کرده و نگه داشته است خیال کند برایش باقی می ماند و موجب شخصیت و شرافت او خواهد بود .

۲۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَرَكْتُ الزَّنا، وَكُنْتُ الْفِئَاءَ، وَغَسَلُ الْاِ نَاءَ مَجْلَبَةً لِلْغِنَاءِ

فرمود: انجام ندادن زنا، جاروب و نظافت کردن راهرو و درب منزل ، و شستن ظروف سبب رفاه و بی نیازی می گردد.

۲۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السِّيَاسَةُ اَنْ تَرعى حُقُوقَ اللَّهِ، وَحُقُوقَ الْاِحْيَاءِ، وَحُقُوقَ الْاَمْوَاتِ

فرمود - : مفهوم و معنای - سیاست آن است که حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعایت کنی .

۲۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ اِلَّا هَدُّوا اِلَى رُشْدِهِمْ.

فرمود : هیچ گروهی در کارهای - اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... - با یکدیگر مشورت نکرده اند مگر آن که به رشد فکری و عملی و... رسیده اند .

۲۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيَهْ : اَلشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ.

فرمود : آن خوبی که شر و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبائی در برابر سختی ها است .

۲۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَآ اَدَمَ، لَمْ تَزَلْ فِي هَدَمٍ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ اُمِّكَ، فَخُذْ مِمَّا فِي

يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

فرمود : ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای در حال گذراندن عمرت هستی ، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما .

۲۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مَنْ خَوَّفَكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَمْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنُكَ حَتَّى تَلْتَقِيَ الْخَوْفَ .
فرمود : همانا کسی تو را - در برابر عیب ها و کم بودها - هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی ، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیب هایت افزوده گردد.



۲۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرُبَ نَسَبُهُ.

فرمود : بهترین دوست نزدیک به انسان آن کسی است که در تمام حالات دلسوز و با محبت باشد
گرچه خویشاوندی نزدیک نداشته باشد.

و بیگانه ترین افراد کسی است که از محبت و دلسوزی بعید باشد گرچه از نزدیک ترین
خویشاوندان باشد.



۲۷- وَسُئِلَ عَنِ الْمَرْوَةِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِ صَلَاحُهُ مَالَهُ، وَقِيَامُهُ بِالْحَقُّوقِ.

از حضرت سلام الله عليه پیرامون مروت و جوانمردی سؤال شد، فرمود:
جوانمرد کسی است که در نگهداری دین و عمل به آن تلاش نماید، در اصلاح اموال و ثروت
خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.



۲۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فِي مَاءِ كَوْلِهِ كَيْفَ لَا يُفَكِّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودِّعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ .

فرمود : تعجب می کنم از کسی که در فکر خوراک و تغذیه جسم و بدن هست ولی درباره تغذیه
معنوی روحی خود نمی اندیشد، پس از غذاهای فاسد شده و خراب دوری می کند.
و عقل و قلب و روح خود را کاری ندارد - هر چه و هر مطلب و برنامه ای به هر شکل و نوعی
باشد استفاده می کند

۲۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَسْلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ.

فرمود : شستن دست ها قبل از طعام فقر و تنگدستی را می زداید و بعد از آن ناراحتی ها و آفات را از بین می برد.

۳۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ .

فرمود : کسی که عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است که نصف علم ها را فرا گرفته باشد.

۳۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْحِلْمَ زِينَةً، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةً، وَالْعَجَلَةَ سَفَةً.

فرمود : صبر و شکیبائی زینت شخص ، وفای به عهد علامت جوانمردی ، و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی خردی می باشد.

۳۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ فَسَدَتْ مَرْوَتُهُ.

فرمود: کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آن ها بی اعتناء باشد، مروّت و جوانمردیش فاسد گشته است.

۳۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ نَمَّا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

فرمود : همانا در روز قیامت بندگان به مقدار عقل و درک و شعورشان مجازات می شوند.

۳۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ أَلْمَالِ، وَالَّذِينَ لَعِبُوا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يُحِيطُونَ مَادَرَتَ بِهِ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا لِلْأَبْتِلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ.

فرمود: همانا مردم اسیر و بنده دنیا و اموال آن هستند، و دین را وسیله رسیدن به اهداف خود قرار داده اند و به هر نوعی که زندگی آن ها تاءمین شود حرکت می کنند. بنابر این هنگامی که در بوته آزمایش در آیند، دین داران اندک خواهند شد.

۳۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْمِزَاحُ يَأْ كُلُّ الْهَيْيَةِ، وَقَدْ أَكْثَرَ مِنَ الْهَيْيَةِ الصَّامِتِ

فرمود: مزاح و شوخی - های زیاد و بیجا - شخصیت و وقار انسان را از بین می برد، و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی می باشند.

۳۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْلُؤْمُ أَعْنُ لَا تَشْكُرُ النِّعْمَةَ .

فرمود: از علایم پستی شخص ، شکر نکردن از ولی نعمت است.

۳۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَضَاءُ حَاجَةٍ أَخِي لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنِّي إِعْتِكَافِ شَهْرٍ.

فرمود: هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل برادرم ، از یک ماه اعتکاف ، در مسجد - و عبادت مستحبی نزد من - بهتر و محبوب تر است.

۳۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ، وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، وَفِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ،

فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ، خُدْمَتَاهُمَا يَكْفِيكَ.

فرمود: چیزهای دنیا اگر حلال باشد حساب و بررسی می شود و اگر از حرام به دست آید عذاب

و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختی و ناراحتی خواهد داشت.
پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میته و مرداری بشناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن
استفاده کنی.

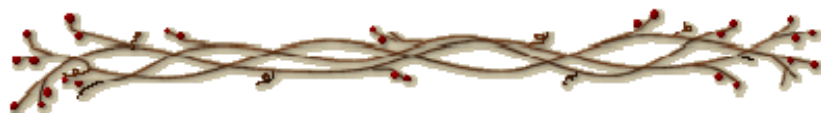


۳۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَاءَنَّاكَ تَعِيشُ اءَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَاءَنَّاكَ تَمُوتُ
غَدًا).

فرمود: در دنیا چنان برنامه ریزی کن - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و - ... مثل آن که
می خواهی همیشه دوام داشته باشی ، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که
فردا خواهی مُرد.



۴۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَكَيْسُ الْكَيْسِ التَّقَى ، وَاَعْحَقُ الْحَقِّ الْفُجُورُ، الْكَرِيمُ هُوَ التَّبَرُّعُ قَبْلَ السُّؤَالِ .
فرمود: زیرک ترین و هوشیارترین افراد، شخص باتقوا و پرهیزکار می باشد؛ اءحمق و نادان ترین
افراد، کسی است که تبه کار و اهل معصیت باشد؛ گرامی ترین و باشخصیت ترین افراد، آن
کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان ، کمک نماید.



چهل حدیث گهربار منتخب

قال الإمام أبو عبد الله الحُسَيْن ، صَلَّوْا تِلْكَ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ :

۱- إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَعْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

فرمود: همانا، عده ای خداوند متعال را به جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود.

و عده ای دیگر از روی ترس خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد.

و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس از روی معرفت ، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند؛ و این نوع ، عبادت آزادگان است که بهترین عبادات می باشد.

۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ أَعْجَزَ النَّاسُ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ، وَإِنْ أَعْغَى النَّاسُ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرَةٍ، وَإِنْ أَوْصَلَ النَّاسُ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ.

فرمود: همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است.

و بخشنده ترین افراد آن شخصی است که - نسبت به ظلم دیگری با آن که توان انتقام دارد - گذشت نماید.

صله رحم کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان ، آن کسی ست که صله رحم نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است.

۳- قِيلَ: مَا الْفَضْلُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُلْكُ اللِّسَانِ، وَبَذْلُ الْإِحْسَانِ، قِيلَ: فَمَا النَّقْصُ؟ قَالَ: التَّكْلُفُ لِمَا لَا يُعْنِيكَ.

از حضرت سؤال شد کرامت و فضیلت در چیست ؟ در پاسخ فرمود: کنترل و در اختیار داشتن زبان و سخاوت داشتن ، سؤال شد نقص انسان در چیست ؟ فرمود: خود را و داشتن بر آنچه که مفید و سودمند نباشد.



۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالدِّينُ لِعَبٍّ عَلَى أَعْلَسَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ،
فَإِذَا مُحِضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.

فرمود: افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند و مذهب ، بازیچه زبانشان گردیده است و برای امرار
معاش خود، دین را محور قرار داده اند - و سنگ اسلام را به سینه می زنند . -
پس اگر بلائی همانند خطر - مقام و ریاست ، جان ، مال ، فرزند و موقعیت ، ... - انسان را تهدید
کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد.



۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَذِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَذِرُ .
ضمن فرمایشی فرمود: همانا شخص مؤمن خلاف و کار زشت انجام نمی دهد و عذرخواهی هم
نمی کند.

ولی فرد منافق هر روز مرتکب خلاف و کارهای زشت می گردد و همیشه عذرخواهی می
نماید.



۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْمَلْ عَمَلَ رَجُلٍ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَاءٌ خُودٌ بِالْأَجْرَامِ، مُجْزِي بِالْإِحْسَانِ .
فرمود: کارها و اعمور خود را همانند کسی تنظیم کن و انجام ده که می داند و مطمئن است که
در صورت خلاف تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد.
و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت.



۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِبَادَ اللَّهِ لَا تَشْتَغِلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَعْمَلُوا.
فرمود: ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا - و تجملات آن - قرار ندهید که همانا قبر،
خانه ای است که تنها عمل - صالح - در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که
غفلت نکنید.



۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا لَا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ.

فرمود: سخنی - که ناراحت کننده باشد - پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آن که دوست داشته باشی که همان سخن پشت سر خودت گفته شود.



۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَصِيرًا إِلَّا اللَّهَ .

فرمود: پرهیز از ظلم و آزار رساندن نسبت به کسی که یآوری غیر از خداوند متعال نمی یابد.



۱۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً ، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا .

فرمود: به درستی که من از مرگ نمی هراسم و آن را جز سعادت نمی بینم.

و همچنین زندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می شناسم.



۱۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يُشْهِرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ .

در احادیث امام حسن علیه السلام هم آمده است.

فرمود: هر کس لباس شهرت و انگشت نما بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش خواهد پوشانید.



۱۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَعْنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ .

فرمود: من کشته گریه ها و اشک ها هستم ، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد.

۱۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ شِئْتَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأَذُنِ ، وَأَعْوَمِي إِلَى الْيَمْنَى ، وَاعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ ، وَذَلِكَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ .

فرمود: چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را

بفهمم ، از او می پذیرم و گذشت می نمایم ، چون که پدرم امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود:

کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

۱۴- قیلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا؟

قال: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدَيَّ مَنْ كَانَتْ .

از حضرت سؤال شد: با شخصیت ترین افراد چه کسی است ؟

در جواب فرمود: آن کسی است که اهمیت ندهد که دنیا در دست چه کسی می باشد.

۱۵- قالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ، آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَايَتِهِ.

فرمود: هر کس خداوند متعال را با صداقت و خلوص ، عبادت و پرستش نماید؛ خدای متعال او را به بهترین آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تاءمین می نماید.

۱۶- قالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : احْذَرُوا كَثْرَةَ الْحَلْفِ، فَإِنَّهُ يَخْلِفُ الرَّجُلُ لِعَلِّ اءَرْبَعٍ: إِمَّا لِمَهَانَةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ، تَحْتُهُ عَلَى الضَّرَاعَةِ إِلَى تَصْدِيقِ النَّاسِ إِيَّاهُ. وَإِمَّا لِعَيٍّ فِي الْمَنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الْإِيْمَانَ حَشْوًا وَصِلَةً لِكَلَامِهِ. وَإِمَّا لِتَهَمٍّ عَرَفَهَا مِنَ النَّاسِ لَهُ، فَيَرَى اءَنَّهُمْ لَا يَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إِلَّا بِالْيَمِينِ. وَإِمَّا لِأَرْسَالِهِ لِسَانَهُ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيتٍ.

فرمود: خود را از قسم و سوگند برهانید که همانا انسان به جهت یکی از چهار علت سوگند یاد می کند:

در خود احساس سستی و کمبود دارد، به طوری که مردم به او بی اعتماد شده اند، پس برای جلب توجه مردم که او را تصدیق و تاءیید کنند، سوگند می خورد.

و یا آن که گفتارش معیوب و به دور از حقیقت است ، و می خواهد با سوگند، سخن خود را تقویت و جبران کند.

و یا در بین مردم متهم است - به دروغ و بی اعتمادی - پس می خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نماید.

و یا آن که سخنان و گفتارش متزلزل است - هر زمان به نوعی سخن می گوید - و زبانش به سوگند عادت کرده است.



۱۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ائِيُّمَا اِثْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ، فَطَلَبَ اءَحَدُهُمَا رِضَى الْاُخَرِ، كَانَ سَابِقَهُ اِلَى الْجَنَّةِ.

فرمود: چنانچه دو نفر با یکدیگر نزاع و اختلاف نمایند و یکی از آن دو نفر، در صلح و آشتی پیشقدم شود، همان شخص سبقت گیرنده، جلوتر از دیگری به بهشت وارد می شود.



۱۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاعْلَمُوا اِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ اِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمِيلُوا النِّعَمَ فَتَحْوَلَ نَقْمًا.

فرمود: توجّه داشته باشید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمت های الهی است، پس نسبت به نعمت ها روی، بر نگردانید؛ و گرنه به نقمت و بلا گرفتار خواهد شد.



۱۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَابْنَ آدَمَ، اُذْكُرْ مَصْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ اِلَاءُ قَدَامٍ .

فرمود: ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد.

۲۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مُجَالَسَةُ اَهْلِ الدُّنَاةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ اَهْلِ الْفِسْقِ رِيءٌ .

فرمود: همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ خواهد گشت، و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شک و بدبینی خواهد شد.



۲۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ، وَ خَلَقَ اَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ .

فرمود: به درستی که خداوند متعال دنیا - و اموال آن - را برای آزمایش افراد آفریده است.
و همچنین موجودات دنیا را جهت فناء - و انتقال از این دنیا به جهانی دیگر - آفریده است.



۲۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَأْءَمَنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ قَدْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا.

فرمود: کسی در روز قیامت از شدائد و احوال آن در امان نمی باشد، مگر آن که در دنیا از خداوند متعال ترس داشته باشد - و اهل گناه و معصیت نگردد.



۲۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ إِلَّا سِتِّغْفَارٌ.

فرمود: برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.



۲۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا، يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ حَسَنَةً .

فرمود: هر کس آیه ای از قرآن را در نمازش تلاوت نماید، خداوند متعال در مقابل هر حرفی از آن یکصد حسنه در نامه اعمالش ثبت می نماید.



۲۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَبْعَةُ أَشْيَاءٍ لَمْ تُخْلَقْ فِي رَحِمِ :

فَاءُ وَلُهَا آدَمُ (علیه السلام)، ثُمَّ حَوَاءُ، وَالْغُرَابُ، وَ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام)، وَ نَاقَةُ اللَّهِ، وَ عَصَا مُوسَى (علیه السلام)، وَ الطَّيْرُ الَّذِي خَلَقَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليهما السلام).

ضمن جواب سؤال های پادشاه روم، فرمود: آن هفت موجودی که بدون خلقت در رحم مادر، آفریده شده اند، عبارتند از:

حضرت آدم علیه السلام و همسرش حواء.
و کلاغی که برای راهنمایی دفن هابیل آمد.

و گوسفندی که برای قربانی ، به جای حضرت اسماعیل علیه السلام آمد.

و شتری که خداوند برای پیامبرش ، حضرت صالح فرستاد.

و عصای حضرت موسی علیه السلام.

و هفتمین موجود آن پرنده ای بود که توسط حضرت عیسی علیه السلام آفریده شد.



۲۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ أَعْمَلَ هَذِهِ الْأُمَّةُ مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَتُغْرَضُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى .

فرمود: همانا - نامه کردار و - اعمال این امت ، در هر صبحگاه بر خداوند متعال عرضه می گردد.



۲۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ جَتَبُوا الْغَشِيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ رَزَقَ وَلَدٌ كَانَ جَوَالَةً.

فرمود: در آن شبی که قصد مسافرت دارید، با همسر خود زناشویی نکنید، که چنانچه عمل زناشویی انجام گردد و در آن زمان فرزندی منعقد شود، بسیار متحرک و افکارش مغشوش می باشد.



۲۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعْهُ مُنْذُ فَتَحَهُ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ

الرُّكْنَيْنِ - الْأَسْوَدَ وَالْيَمَانِي - مَلَكٌ يُدْعَى هُجَيْرٌ، يُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ.

فرمود: رُکنِ یمانیِ کعبه الهی ، دربی از درب های بهشت است و مابین رکن یمانی و حجرالاسود ملک و فرشته ای است که برای استجابت دعای مؤمنین آمین می گوید.



۲۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْغَنَى وَالْعَزَّ خَرَجَا يَجُولَانِ، فَلَقِيَا التَّوَكُّلَ فَاسْتَوْطَنَا.

فرمود: عزّت و بی نیازی - هر دو - شتاب زده به دنبال پناهگاهی می دویدند، چون به توکل برخورد کردند، آرامش پیدا نموده و آن را پناهگاه خود قرار دادند.



۳۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

فرمود: هر کس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید.



۳۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ وَالَانَا فَلِجَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَالِي ، وَمَنْ عَادَانَا فَلِجَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَادِي .

فرمود: هر که ما را دوست بدارد و پیرو ما باشد، پس دوستی و محبتش به جهت جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

و هر کس با ما دشمن و کینه توز باشد، پس دشمنی و مخالفت او به جهت جدّم رسول خدا خواهد بود.



۳۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ آدَمَ، اءِذْ كُرْ مَصَارِعَ آبَائِكَ وَ اءِبْنَائِكَ، كَيْفَ كَانُوا، وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَاءُتَكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ .

فرمود: ای فرزند آدم ، بیاد آور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان - و دوستان - تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آن ها در چه وضعیتی و موقعیتی بودند و سرانجام به کجا منتهی شدند و کجا رفتند.

و بیندیش که تو نیز همانند آن ها به ایشان خواهی پیوست - پس مواظب اعمال و رفتار خود باش.



۳۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّمَا اءَنْتَ اءِيَّامٌ، كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ.

فرمود: ای فرزند آدم ، بدرستی که تو مجموعه ای از زمان ها و روزگار هستی ، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی و سپری گشته است - بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است.



۳۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعَ لِمَجِيئِهِ مَا يَحْذَرُ .

فرمود: هر کس از روی نافرمانی و معصیتِ خداوند، کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریع تر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد.



۳۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاتٌ مِنَ النَّارِ وَقَالَ: بُكَاءُ الْعُيُونِ، وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

فرمود: گریان بودن به جهت ترس از - عذاب - خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود؛ و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دل ها یکی از نشانه های رحمت الهی - برای بنده - است.



۳۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَكْمِلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ.

فرمود: بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که - اهل حق و صداقت باشد و - از حقایق ، تبعیت و پیروی کند.

۳۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ النَّاسُ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ .

فرمود: دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است:

یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند.

و دیگری فخر کردن - در مسائل مختلف - و مباهات بر دیگران است.



۳۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَرَفَ حَقَّ آبَوَيْهِ الْأُفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَ آءِطَاعَهُمَا، قِيلَ لَهُ: تَبَحَّحْ

فِي أَعْيُ الْجَنَانِ شَيْتَ .

فرمود: هر شخصی که حق والدینش محمد صلی الله علیه و آله ، و علی علیه السلام را که با شرافت و با فضیلت ترین انسان ها هستند، بشناسد و - در تمام امور زندگی - از ایشان تبعیت و

اطاعت کند؛ در قیامت به او خطاب می شود:

هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی ، می توانی انتخاب کنی و در آن وارد شوی .



۳۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ .

فرمود: هر کس رضایت و خوشنودی خداوند را - در امور زندگی - طلب نماید گرچه همه افراد از او رنجیده شوند، خداوند مهمات و مشکلات او را کفایت خواهد نمود .
و کسی که رضایت و خوشنودی مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و غضب پروردگار باشد، خداوند امور این شخص را به مردم واگذار می کند .



۴۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ .

فرمود: شیعیان و پیروان ما - اهل بیت رسالت - آن کسانی هستند که افکار و درون آن ها از هر گونه حيله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد .



چهل حدیث گهربار منتخب

۱- قَالَ الْأَمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ :
إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ : عِنْدَ قِرَائَةِ الْقُرْآنِ ، وَ عِنْدَ الْأَذَانِ ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ ، وَ عِنْدَ
الْتِقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ .
ترجمه :

فرمود : پنج موقع را برای دعا و حاجت خواستن غنیمت شمارید :
موقع تلاوت قرآن ، موقع اذان ، موقع بارش باران ، موقع جنگ و جهاد - فی سبیل الله - موقع
ناراحتی و آه کشیدن مظلوم .
در چنین موقعیت ها مانعی برای استجابت دعا نیست .

۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْعِلْمُ وَرِاثَةُ كَرِيمَةٍ ، وَالْأَدَبُ حُلُلُ حِسَانٍ ، وَ الْفِكْرَةُ مِرَآةُ صَافِيَةٍ ، وَالْأَعْتِدَارُ
مُنْذِرٌ نَاصِحٌ ، وَ كَفَى بِكَ أَدَبًا تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ .
ترجمه :

فرمود : علم ؛ ارثیه ای با ارزش ، و ادب ؛ زیوری نیکو ، و اندیشه ؛ آئینه ای صاف ، و پژوهش
خواستن ؛ هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود .
و برای با ادب بودن همین بس که آنچه برای خود دوست نداری ، در حق دیگران روا نداشته
باشی .

۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَقُّ جَدِيدٌ وَإِنْ طَالَتْ الْأَيَّامُ ، وَالْبَاطِلُ مَخْذُولٌ وَإِنْ نَصَرَهُ أَقْوَامٌ .
ترجمه :

فرمود : حق و حقیقت در تمام حالات جدید و تازه است گر چه مدتی بر آن گذشته باشد .
و باطل همیشه پست و بی اساس است گر چه افراد بسیاری از آن حمایت کنند .

۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّنْيَا تُطْلَبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْغِنَى ، وَالْعِزُّ ، وَالرَّاحَةُ ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ ، وَمَنْ قَنَعَ إِسْتَغْنَى ، وَمَنْ قَلَّ سَعْيُهُ إِسْتَرَحَ .

ترجمه:

فرمود : دنیا و اموال آن ، برای سه هدف دنبال می شود: بی نیازی ، عزت و شوکت ، آسایش و آسوده بودن .

هر که زاهد باشد؛ عزیز و با شخصیت است ، هر که قانع باشد؛ بی نیاز و غنی گردد، هر که کمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد؛ همیشه آسوده و در آسایش است .

۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ لَا الدِّينُ وَالتَّقَى ، لَكُنْتُ أَهْذَى الْعَرَبِ .

ترجمه:

فرمود : چنانچه دین داری و تقوای الهی نمی بود، هر آینه سیاستمدارترین افراد بودم - ولی دین

و تقوا مانع سیاست بازی می شود

۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ ، وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تَعْجِبَ بِعِلْمِكَ .

ترجمه:

فرمود : ملوک بر مردم حاکم هستند و علم بر تمامی ایشان حاکم خواهد بود، تو را در علم کافی

است که از خداوند ترسناک باشی ؛ و

به دانش و علم خود بالیدن ، بهترین نشانه نادانی است .

۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا بَنَ آدَمَ اءَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ اءَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ.

فَقُلْ فِي خَيْرٍ، وَ اَعْمَلْ فِي خَيْرٍ، اءَشْهَدُ لَكَ بِهِ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ اءَبَدًا .
ترجمه:

فرمود: هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می باشم.

سعی کن سخن خوب و مفید بگوئی، کار خوب و نیک انجام دهی.

من در روز قیامت شاهد اعمال و گفتار تو خواهم بود.

و بدان امروز که پایان یابد دیگر مرا نخواهی دید و قابل جبران نیست.

۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ.

ترجمه:

فرمود: مریضی کودک، کفاره گناهان پدر و مادرش می باشد.

۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الزَّيْبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ بِالْمَرَضِ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُطِيبُ النَّفْسَ .

ترجمه:

فرمود: خوردن مویز - کشمش سیاه - قلب را تقویت، مرض ها را برطرف، و حرارت بدن را

خاموش، و روان را پاک می گرداند.

۱۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَطْعَمُوا صَبِيَانَكُمْ الرُّمَانَ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِلسَّيِّئِهِمْ.

ترجمه:

فرمود: به کودکان خود انار بخورانید تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود.

۱۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَطَرِقُوا اءَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهَةِ، كَيْ يَفْرَحُوا
بِالْجُمُعَةِ.
ترجمه:

فرمود: در هر شب جمعه همراه با مقداری میوه - یا شیرینی ،... - بر اهل منزل و خانواده خود
وارد شوید تا موجب شادمانی آن ها در جمعه گردد.

۱۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّوْا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ
أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ .
ترجمه:

فرمود: آنچه اطراف ظرف غذا و سفره می ریزد جمع کنید و بخورید، که همانا هر کس آن ها را
به قصد شفا میل نماید، به اذن حق تعالی شفای تمام دردهای او خواهد شد.

۱۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ : الْعَافِيَةِ وَالْغَنَى ، بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَاً إِذْ سَقُمَ، وَبَيْنَا
تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ .
ترجمه:

فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا، در دوران زندگی به دو خصوصیت اعتماد کند و به آن دل بسته
باشد: یکی عافیت و تندرستی و دیگری ثروت و بی نیازی است.

زیرا چه بسا در حال صحت و سلامتی می باشد ولی ناگهان انواع مریضی ها بر او عارض می
گردد و یا آن که در موقعیت و امکانات خوبی است ، ناگهان فقیر و بیچاره می شود، - پس
بدانیم که دنیا و تمام امکانات آن بی ارزش و بی وفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفید و
سودبخش می باشد

۱۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ : يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أُثْنِيَ عَلَيْهِ، وَ يَنْقُصُ إِذَا دُمَّ .

ترجمه :

فرمود: برای ریاکار سه نشانه است : در تنهایی کسل و بی حال ، در بین مردم سرحال و بانشاط می باشد.

هنگامی که او را تمجید و تعریف کنند خوب و زیاد کار می کند و اگر انتقاد شود سُستی و کم کاری می کند.

۱۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى نَبِيٍِّّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ : قُلْ لِقَوْمِكَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي ، وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي ، وَلَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي ، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي

ترجمه :

فرمود : خداوند تبارک و تعالی بر یکی از پیامبرانش وحی فرستاد : به امت خود بگو : لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا میل نکنند و هم شکل دشمنان من نگردند، و گرنه ایشان هم دشمن من خواهند بود.

۱۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْافْكَارِ، وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ، وَالْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِ، وَالْحَوَاسُ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ.

ترجمه :

فرمود: عقل هر انسانی پیشوای فکر و اندیشه اوست ؛ و فکر پیشوای قلب و درون او خواهد بود؛ و قلب پیشوای حواس پنج گانه می باشد، و حواس پیشوای تمامی اعضا و جوارح است.

١٧- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَاسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَافْتَقِرْ إِلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ.

ترجمہ :

فرمود: بر هر که خواهی نیکی و احسان نما، تا رئیس و سرور او گردی ؛ و از هر که خواهی بی نیازی جوی تا همانند او باشی .

و خود را نیازمند هر که خواهی بدان - و از او تقاضای کمک نما - تا اسیر او نگردی.

١٨- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِعْزِزْ الْعِلْمَ، لِإِنَّ بِهِ مَعْرِفَةَ الْمَعَادِ وَالْمَعَاشِ، وَأَذِلَّ الدُّلَّ الْجَهْلُ، لِإِنَّ صَاحِبَهُ أَصَمُّ، أَعْبُكُمُ، أَعْمَى، حَيْرَانٌ .

ترجمہ :

فرمود: «عزیزترین عزّت‌ها علم و کمال است، برای این که شناخت معاد و تاءمین معاشِ انسان، به وسیله آن انجام می‌پذیرد.

و پست ترین ذلت ها جهل و نادانی است ، زیرا که صاحبش همیشه در کوری و لالی و کوری می باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود.

١٩- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغَتِكَافِ فِي بَيْتِ اللَّهِ، وَزِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ، وَأَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَعُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً، وَرَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً، وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: إِنَّ الْجَنَّةَ وَجَبَتْ لَهُ.

ترجمہ :

فرمود: یک ساعت در محضر علماء نشستن - که انسان را به مبداء و معاد آشنا سازند - از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوب تر خواهد بود.

توجّه و نگاه به عالم از اِعتکاف و یک سال عبادت - مستحبّی - در خانه خدا بهتر است.

زیارت و دیدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف کعبه محبوب تر خواهد بود، و نیز

افضل از هفتاد حج و عمره قبول شده می باشد.

همچنین خداوند او را هفتاد مرحله ترفیع درجه می دهد و رحمت و برکت خود را بر او نازل می گرداند، و ملائکه شهادت می دهند به این که او اهل بهشت است.

۲۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الْاَلَدَى لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الْاَلَدَى أَنْتَ فِيهِ، فَإِنْ يَكُنْ بَقِيَ مِنْ اءَجَلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فِيهِ يَرْزُقُكَ.

ترجمه:

فرمود: ای فرزند آدم، غصه رزق و آذوقه آن روزی که در پیش داری و هنوز نیامده است نخور، زیرا چنانچه زنده بمانی و عمرت باقی باشد خداوند متعال روزی آن روز را هم می رساند.

۲۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدَرِ نَفَقَتِهِ، وَ صِدَاقَتُهُ عَلَى قَدَرِ مُرُوتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ.

ترجمه:

فرمود: ارزش هر انسانی به قدر همت اوست، و شجاعت و توان هر شخصی به مقدار گذشت و احسان اوست، و درستکاری و صداقت او به قدر جوانمردی اوست، و پاکدامنی و عفت هر فرد به اندازه غیرت او خواهد بود.

۲۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ اءَخِيهِ تَبَرُّكًا بِهِ، خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَلِكًا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

ترجمه:

فرمود: کسی که دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرک میل نماید، خداوند متعال ملکی را مأمور می گرداند تا برای آن دو نفر تا روز قیامت طلب آمرزش و مغفرت نماید.

۲۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدُّهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٌ

يَتَذَكَّرُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَءَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُقْبُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا
اهل البيت.

ترجمه:

فرمود: خیر و خوبی در دنیا وجود ندارد مگر برای دو دسته:

دسته اول آنان که سعی نمایند در هر روز، نسبت به گذشته کار بهتری انجام دهند.

دسته دوم آنان که نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشیمان و سرافکنده گردند و توبه نمایند، و توبه کسی پذیرفته نیست مگر آن که با اعتقاد بر ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

۲۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبْتُ لِابْنِ آدَمَ، أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ، وَآخِرُهُ جِيفَةٌ، وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ،
ثُمَّ يَتَكَبَّرُ.

ترجمه:

فرمود: تعجب می کنم از کسی که اوّلش قطره ای آب ترش شده و عاقبتش لاشه ای متعفن - بد
بو - خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با این حال تکبر و بزرگ منشی هم
می نماید.

۲۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا كُفْرُ الدِّينِ، فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَذُلٌّ بِالنَّهَارِ.

ترجمه:

فرمود: از گرفتن نسیه و قرض، خود را برهانید، چون که سبب غم و اندوه شبانه و ذلت و خواری
در روز خواهد گشت.

۲۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَعْتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ، تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ مِنْ دَوَابِّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ.

ترجمه:

فرمود: آن عالم و دانشمندی که علم خود را - در بیان حقایق - برای دیگران کتمان کند، روز قیامت با بدترین بوها محشور می شود و مورد نفرت و نفرین تمام موجودات قرار می گیرد.

۲۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا كُمَيْلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ.

فرمود: در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش، دوستی و معاشرت با پرهیزگاران را ادامه ده، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن، و از منافقان دوری و فرار کن، و با خیانتکاران همراهی و هم نشینی منما.

۲۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَلْ عَنِ الرَّفِيِّ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ.

ضمن سفارشی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پیش از آن که بخواهی مسافرت بروی، رفیق مناسب راه را جويا باش، و پیش از آن که منزلی را تهیه کنی همسایگان را بررسی کن که چگونه هستند.

۲۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ذَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ.

فرمود: فخر کردن انسان به خودش، نشانه کم عقلی او می باشد.

۳۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنتُمْ وَحُبَّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ.

فرمود: ای گروه مردم، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید، چون که علاقه و محبت به

دنیا اساس هر خطا و انحرافی است ، و دروازه هر بلا و گرفتاری است ، و نزدیک کننده هر فتنه و آشوب ؛ و نیز آورنده هر مصیبت و مشکلی است .

۳۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السُّكْرُ اَرْبَعُ السُّكْرَاتِ : سُكْرُ الشَّرَابِ ، وَ سُكْرُ الْمَالِ ، وَ سُكْرُ النَّوْمِ ، وَ سُكْرُ الْمُلْكِ .

فرمود: مستی در چهار چیز است : (مستی از شراب و خمر)، مستی مال و ثروت ، مستی خواب ، مستی ریاست و مقام .

۳۲- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَلِّسَانُ سُبُعٍ اِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرٌ .

فرمود: زبان ، همچون درنده ای است که اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختی به جسم و ایمان) خواهد زد .

۳۳- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ اَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ .

فرمود: روز داد خواهی مظلوم بر علیه ظالم سخت تر است از روزی که ظالم ستم بر مظلوم می کند .

۳۴- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ ، وَخَبَرٌ مَا بَعْدَكُمْ ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ .

فرمود: قرآن احوال گذشتگان ، و اخبار آینده را در بردارد، و شرح وظایف شما را بیان کرده است .

۳۵- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَزَلَ الْقُرْآنُ اَثَلَاثًا ، ثَلَاثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا ، وَ ثَلَاثٌ سُنَنٌ وَ اَمْثَالٌ ، وَ ثَلَاثٌ

فَرَائِضٌ وَاَعْ حُكَاَمٌ .

فرمود: نزول قرآن بر سه قسمت است : یک قسمت آن درباره اهل بیت عصمت و طهارت : و

دشمنان و مخالفان ایشان ؛ و قسمت دیگر آن ، اخلاقیات و ضرب المثلها؛ و قسمت سوم در بیان واجبات و احکام الهی می باشد.

۳۶- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ .
فرمود: مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

۳۷- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ،
وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أذى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ .
فرمود: خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است .
پس جهاد مرد، آن است که از مال و جاننش بگذرد تا جائی که در راه خدا کشته و شهید شود .
و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و جوانمردی او صبر نماید .

۳۸- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمَ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ .
فرمود: در تغییر و دگرگونی حالات و حوادث ، فطرت و حقیقت اشخاص شناخته می شود .

DDDDDDDDDDDDDDDDDD

۳۹- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ .
فرمود: امروزه - در دنیا - زحمت و فعالیت ، بدون حساب است و فردای قیامت ، حساب و بررسی اعمال و دریافت پاداش است .

۴۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّتُكُمْ مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ .

فرمود: دوری و اجتناب کنید از معصیت های الهی ، حتی در پنهانی ، پس به درستی که خداوند شاهد اعمال و نیت است ؛ و نیز او حاکم و قاضی خواهد بود .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا شَاهِدَ الْأُمَمِ

چهل حدیث گهربار منتخب

۱- قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا:

نَحْنُ وَسَيَلَّتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ، وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ .
ترجمه:

فرمود: ما اهل بیت پیامبر وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم ، ما برگزیدگان پاک و مقدس
پروردگار می باشیم ، ما حجت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم



۲- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ ، وَالْهَيْكَلُ النُّورَانِيُّ ، قُطْبُ الْقُطَابِ ، وَسُلَالَةُ الْأَطْيَابِ ،
الَّنَّاطِقُ بِالصَّوَابِ ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ
ترجمه:

در تعریف امام علی علیه السلام فرمود : او پیشوائی الهی و ربّانی است ، تجسم نور و روشنائی است ،
مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است ، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای
حقگو و هدایتگر است ، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است .



۳- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اءَبُوا هَذِهِ الْأُمَّةَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ، يُقِيمَانِ اءَوْدَهُمُ، وَيُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ
اءَطَاعُوهُمَا، وَيُيْحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَاَفَقُوهُمَا .
ترجمه:

فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو
پیروی کنند آن ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت های
متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند .



۴- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ اءَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، اءَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ اءَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ .
ترجمه:

فرمود: هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و
برکات خود را برای او تقدیر می نماید .

۵- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ.

ترجمه:

فرمود: همانا حقیقت و واقعیّت تمام سعادت ها و رستگاری ها در دوستی علیّ علیه السلام در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود.



۶- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إلهی وَ سَيِّدِی ، اءَسْئَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بِيْكَاءٍ وَ لَدَى فِي مُفَارِقَتِيْ اءَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةٍ شِيعَتِيْ ، وَ شِيعَةَ ذُرِّيَّتِيْ .

ترجمه:

فرمود: خداوندا، به حقّ اولیاء و مقربانی که آن ها را برگزیده ای ، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان ، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی



۷- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلُّ مُجِبِّنَا وَ مَوَالِيْ اَوْلِيَانَا وَ مُعَادِيْ اءَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا .

ترجمه:

فرمود: شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن هائی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود.



۸- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللّهِ يَابْنَ الْخَطَابِ لَوْ لَا اِنِّيْ اءَكْرَهُ اءَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتَ اءَنِّيْ سَاءُ قَسِمٌ عَلَى اللّهِ ثُمَّ اءَجِدُهُ سَرِيعَ الْاَجَابَةِ

ترجمه:

حضرت به عمر بن خطاب فرمود:

سوگند به خداوند، اگر نمی ترسیدم که عذاب الهی بر بی گناهی ، نازل گردد؛ متوجّه می شدی که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم.

و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید.

۹- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللّهِ، لَا كَلَمْتُكَ اَبَدًا، وَاللّهِ لَا دَعْوَنَ اللّهِ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَوَةٍ

ترجمه:

پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت ، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت ، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد.



۱۰- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِنِّي أَعْشِدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ، إِنَّكُمَا أَسْخَطْتُمَانِي، وَمَا رَضَيْتُمَانِي، وَلَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَا شَكُوتُكُمَا إِلَيْهِ.

ترجمه:

هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود:
خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشنماک کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد.



۱۱- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: لَا تُصَلِّيْ عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَآخَذُوا إِرْثِي، وَخَرَقُوا صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي بِمُلْكٍ فَدَكَ.

ترجمه:

فرمود: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند.



۱۲- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِلَيْكُمْ عَنِّي، فَلَا عُذْرَ بَعْدَ غَدِيرِ كُمْ، وَالْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِ كُمْ، هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لَا حَدٍ عُذُو.

ترجمه:

خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود:
از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان ، عذری برای شما باقی نمانده است.

آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت ؟



۱۳- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ،
وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَّامَ تَثْبِيْتًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ
ترجمه:

فرمود: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها
قرار داد.

و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود.
و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود.
و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست.
و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود.



۱۴- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدٌ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ
أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ وَلَا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لَا مَرَّ لِلَّهِ تَعَالَى وَارْضَ بِقَضَائِهِ.
ترجمه:

فرمود: ای ابا الحسن! همسر من، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اوّل کسی هستم از
اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی
خوشنود باش.



۱۵- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ
حَيَاتِكَ؟
قَالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا.
ترجمه:

فرمود: هر که بر پدرم رسول خدا و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب
می گرداند، چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما باشد.



۱۶- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَا صَنَعَ أَبُوالْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِيْبُهُمْ وَطَالِبُهُمْ.
ترجمه:

فرمود: آنچه را امام علی علیه السلام نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت انجام داد، وظیفه الهی او بوده است، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آن ها را محاسبه و مجازات می نماید.



۱۷- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ اَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ .
ترجمه:

فرمود: بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد.



۱۸- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اءَوْصِيكَ يَا اَبَاالْحَسَنِ اَنْ لَا تَنْسَانِي ، وَ تَزُوْرْتَنِي بَعْدَ مَمَاتِي .
ترجمه:

ضمن وصیتی به همسرش اظهار داشت : مرا پس از مرگم فراموش نکنی .
و به زیارت و دیدار من بر سر قبرم بیائی .



۱۹- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، اِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَيَّ الْمَرْئَةُ الثَّوْبَ فَيَصِفُهَا لِمَنْ رَأَى ، فَلَا تَحْمِلْنِي عَلَي سَرِيرٍ ظَاهِرٍ، اُسْتَرْنِي ، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ .
ترجمه:

در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زننده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند.
و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند.
مرا بر تخت و بلانکاردی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن ، خداوند تورا از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید.



۲۰- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَاِنِّي اَعْرَاهُ، وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ .

ترجمه:

مرد نایبانی وارد منزل شد و حضرت زهراء عليها السلام پنهان گشت ، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله علت آن را جویا شد؟

در پاسخ پدر اظهار داشت : اگر آن نایبنا مرا نمی بیند، من او را می بینم ، دیگر آن که مرد، حساس است و بوی زن را استشمام می کند.



۲۱- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَصَبَحْتُ وَاللَّهِ! عَاتِقَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ .

ترجمه:

بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت ، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم ، همچنین دشمن و مخالف مردان شما خواهم بود.



۲۲- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَاءَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا .

ترجمه:

فرمود: اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمائی ، تو از شیعیان ما هستی و گرنه ، خیر.



۲۳- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : حُبِّ إِلَى مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ : تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْأُتْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

ترجمه:

فرمود: سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است : تلاوت قرآن ، نگاه به صورت رسول خدا، اتفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا.



۲۴- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَوْصِيكَ أَوَّلًا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِأَبْنَةِ أُخْتِي أَمَامَةً، فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوُلْدِي مِثْلِي ،

فَاِنَّ الرَّجَالَ لَا بَدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ

ترجمه:

در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود:

پس از من با دختر خواهرم اءمامه ازدواج نما، چون که او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است. همانا مردان در هر حال، نیازمند به زن می باشند.



۲۵- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: الزَّمْ رِجْلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا، وَ الزَّمْ رِجْلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةَ.

ترجمه:

فرمود: همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت های بهشتی خواهد بود.



۲۶- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ .

ترجمه:

فرمود: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد.



۲۷- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: الْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ.

ترجمه:

فرمود: تبسم و شادمانی در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود.

۲۸- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: لَا يُلَوِّنُ امْرَأَةٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحُ غَمَرٍ .

ترجمه:

فرمود: کسی که بعد از خوردن غذا، دست های خود را نشوید دست هایش آلوده باشد، چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید کسی جز خودش را سرزنش نکند.



۲۹- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اصْعَدْ عَلَى السَّطْحِ، فَإِنْ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو.

ترجمه:

روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود و دیگران دعا کنم.



۳۰- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَلَا يُبَالِي .

ترجمه:

فرمود: همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت.



۳۱- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ .

ترجمه:

فرمود: اول باید در فکر مشکلات و آسایش همسایه و نزدیکان و سپس در فکر خویشان بود.



۳۲- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَابَّتِهِ، وَصَدْرِ فَرَّاشِهِ، وَالصَّلَاةِ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا الْإِمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ .

ترجمه:

فرمود: هر شخصی نسبت به مرکب سواری، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در آن از دیگری در اولویت است مگر آن که دیگری امام جماعت باشد و بخواهد نماز جماعت را اقامه نماید، نباشد.

۳۳- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَهَ، ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَاسْوَاءَ تَأَهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

ترجمه:

اظهار داشت: ای پدر، من به یاد روز قیامت افتادم که مردم چگونه در پیشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ایستاد و فریاد رسی ندارد، جز اعمال و علاقه نسبت به اهل بیت علیهم السلام.



۳۴- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، اءَشْفَعُ عَصَاةَ أُمَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .
ترجمه:

فرمود: هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم ، خطاکاران امت پیامبر صلی الله علیه و آله ،
را شفاعت می نمایم .



۳۵- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : فَأَعِ كَثْرَ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، وَالِدُّعَاءِ ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أُنْسِ الْأُخْيَاءِ .
ترجمه:

ضمن وصیتی به امام علی علیه السلام اظهار نمود: پس از آن که مرا دفن کردی ، برایم قرآن را بسیار
تلاوت نما، و برایم دعا کن ، چون که میت در چنان موقعیتی بیش از هر چیز نیازمند به انس با زندگان
می باشد .



۳۶- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ ، إِنِّي لَا سَتَحِي مِنْ إلهي اءَنْ اءَ كَلَّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ .
ترجمه:

خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام کرد: من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را
در خواست نمایم و تو توان تهیه آنرا نداشته باشی .



۳۷- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَابَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا .
ترجمه:

فرمود: رستگار و سعادتمند نخواهند شد آن گروهی که فرزند پیامبر خود را به قتل رسانند .



۳۸- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : ... وَ النَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَزْيِهَا عَنِ الرَّجْسِ ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنْ

اللَّعْنَةُ، وَ تَرَكَّ السَّرْقَةَ اِجَاباً لِلْعَفَةِ .

ترجمه:

فرمود: خداوند متعال منع و نهی از شرابخواری را جهت پاکی جامعه از زشتی ها و جنایت ها؛ و دوری از تهمت ها و نسبت های ناروا را مانع از غضب و نفرین قرار داد؛ و دزدی نکردن ، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می گردد.



۳۹- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اللَّهُ الشُّرَكَاءُ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ اءَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اءَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا اَمَرَكُمْ بِهِ، وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .

ترجمه:

و خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید.

بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است ، زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت.



۴۰- قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : ءَمَّا وَاللَّهِ، لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى اءَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ ، لَمَّا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اِثْنَانِ، وَ لَوَرِثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

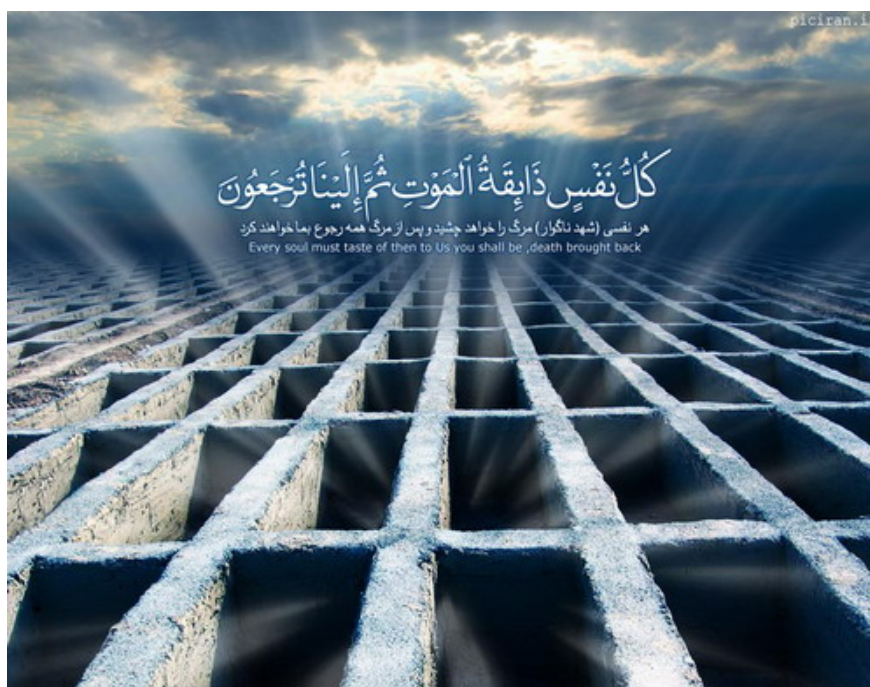
ترجمه:

فرمود: به خدا سوگند، اگر حق یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله عليهم پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند.

و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل
قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف ، و صلوات الله عليهم اجمعین می گردید که او نهمین فرزند از
حسین علیه السلام می باشد.



حالات میت پس از مرگ



بی تردید در دنیا حوادث تلخ و رنج آوری وجود دارد که هر یک به نوبه خود می تواند بار سنگینی از مصیبت را بر دوش آدمی نهاده و آینه ی دلش را از طوفان غم و غصه غبار آلود نماید.

در این میان آنچه از هر حادثه ای برای انسان ، تلخ تر و غم انگیز تر است، حادثه ای انکار ناپذیر مرگ است.

مرگ بگونه ای است که با آن کام وجود بازماندگان تلخ و خاطرشان آزرده می شود، چرا که آنها به اندازه ای به عزیز خود دل بسته اند که جدایی از او برایشان امری است غیر منتظره، که پذیرش آن به سختی در صفحه ی ذهنشان نقش خواهد بست.

اما این یک روی سکه است، روی دیگر آن که از اهمیت والایی برخوردار است، خود میت و احساساتی است که به هنگام مرگ و لحظاتی پس از آن به او دست می دهد، احساساتی برخاسته از جان که درک آن برای ما زنده ها امکان پذیر نیست.

امیر متقیان علی (علیه السلام) در فرازی از خطبه ۸۳ نهج البلاغه صحنه غم انگیز مرگ و جان کندن را در قالب گفتار به زیبایی به تصویر کشیده و در این باره می فرماید: «انسان در حالت بیهوشی و سکرات مرگ، و غم و اندوه بسیار، و ناله ی دردناک، و درد جان کندن، با انتظاری رنج آور، دست به گریبان است. پس از مرگ او را مأیوس وار در کفن پیچانده، در حالی که تسلیم و آرام است، برمی دارند و بر تابوت می گذارند، خسته و لاغر به سفر آخرت می رود، فرزندان و برادران او را به دوش کشیده، تا سر منزل غربت، آنجا که دیگر او را نمی بیند، و آنجا که جایگاه وحشت است، پیش می برند»...

نکته ی حائز اهمیت پیرامون کلام امیر بیان علی (علیه السلام) آن است که انسان ها به هنگام مرگ و لحظات غم انگیز تشییع جنازه، حالت یکسان و یکنواختی ندارند، بلکه به تناسب ایمان و کفر و نیز شدت و ضعفی که در این زمینه دارند، حالات گوناگونی خواهند داشت. مطابق روایات معتبری که در این باره وجود دارد، انسانهای مومن و پرهیزکار، در این لحظات حساس، بسیار خوشحال و شادمان بوده، و از اینکه رخت از این جهان بسته و به دیار باقی سفر می نمایند، سر از پا نمی شناسند، چرا که دنیا برای آنها قفس تنگ و تاریکی بوده که بودن در آن، خاطرشان را آزرده و روح و جانشان را معذب می ساخته است، و لذا مطابق روایاتی که از پیشوایان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) در این زمینه وارد شده است، هنگامی که جنازه ی او را حرکت می دهند، صدا می زند که مرا زودتر به منزلم برسانید، و نیز هنگام غسل دادن در جواب فرشته ای که به او می گوید: آیا دلت می خواهی به دنیا بازگردی؟! می گوید: خیر، دیگر نمی خواهم به سختی و تعب دنیا برگردم.

اما در مقابل کافران و نیز گنهکارانی که عمری در مسیر ضلالت و گمراهی قدم نهاده اند و غرق در شهوت و هواپرستی دنیا بوده اند، از اینکه مرگ به سراغشان آمده، و قصد شکارشان را دارد بسیار خشمگین و ناراحتند، زیرا دنیا در منظرشان همچون کاخ زیبا و دلربایی بوده که در آن بزم عیش و شادی به راه انداخته، و به خیال خام خود از این طریق لحظات شیرین و لذت بخشی را برای خود دست و پا کرده اند، و لذا از مرگ که بساط عیش و نوش آنها را بر هم زده، و کاخ آرزوهایشان را ویران ساخته است، بسیار غمگین و هراسانند.

پرسش و پاسخ های عالم قبر

در موضوع مرگ و رخدادهای پیرامون آن، آنچه بر سختی و رنج فراوان این پدیده انکارناپذیر می افزاید، پرسش و پاسخ هایی است که انسان در عالم قبر با آنها مواجه می شود.

امیر متقیان علی (علیه السلام) در ادامه ی همین فراز از خطبه ی نورانی ۸۳ به این مهم پرداخته و در این باره به زیبایی فرموده است: «هنگامی که تشییع کنندگان بروند و مصیبت زدگان بازگردند، او را برای پرسش های حیرت آور، و امتحان لغزش زا، در گودال قبر می نشانند» ۲ با دقت در کلام امیر بیان علی (علیه السلام) می یابیم که موضوع پرسش و پاسخهای عالم قبر حقیقتی است که هیچ گونه شک و تردیدی در موردش روا نیست. در روایتی که از ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت، امام صادق (علیه السلام) در این زمینه وارد شده است، آن حضرت می فرماید: «هنگامی که جنازه ی انسان را دفن می کنند، دو فرشته به نام تکیر و منکر نزد او می آیند، که صدایشان مانند رعد غرّنده، و چشم هایشان مانند برق خیره کننده است که زمین را با نیش های خود می شکافند، و پاهای خود را همراه با موهای خود به شدت بر زمین می کوبند و به سوی مرده می آیند.»

البته چگونگی برخورد آنها با میت، براساس میزان ایمان و انحراف او متفاوت خواهد بود، و آنها متناسب با وضعیت ایمان و عقیده ی میت با او رفتار خواهند نمود.

مطابق روایات فراوان، این دو فرشته هنگامی که به سراغ مرده می آیند، با طرح سوالاتی او را مورد بازجویی

قرار داده و از این طریق است که نخستین دادگاه الهی پس از مرگ انسان، آغاز می شود.

اما اینکه آن دو فرشته الهی از چه می پرسند و چه اموری را مورد بازجویی قرار می دهند، امری است که با مراجعه به گفتار پیشوایان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) کاملاً واضح و روشن می شود.

به طور کل روایات موجود در این موضوع، حکایت از این دارد که از مواردی که در ذیل به آنها اشاره می شود، سؤال می کنند:

- ۱- خدایت کیست؟ ۲- پیامبرت کیست؟ و رهبر و امامت کدام است؟ ۳- دینت چیست؟ ۴- عمرت را در چه راهی صرف کرده ای؟ ۵- اموالت را از چه راهی به دست آورده ای و در چه راهی به مصرف رسانده ای؟ ۶- قبله ات کجاست؟ ۷- کتاب آسمانی ات چه نام دارد؟ ۸- نماز. ۹- زکات. ۱۰- روزه. ۱۱- حج

مژده به شیعیان واقعی!

مطابق آنچه بیان شد، انسان پس از مرگ با حوادث هولناک و صحنه های غم انگیزی مواجه خواهد بود، حوادثی که هر یک به تنهایی می تواند به راحتی آرامش روحی آدمی را بر هم زده، و راحتی و آسایش را از او سلب نماید.

اما در این میان باید این مژده را به شیعیان واقعی امامان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) داد، که آنها در این باره ترسی به دل راه ندهند و با خاطری آسوده و خیالی راحت به حیات خویش ادامه دهند، چرا که خالق هستی به پاس ولایت پذیری و پیروی واقعی از امامان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) حساب آنها را از سایرین جدا نموده و با آغوشی گرم و محبت آمیز از آنها استقبال خواهد نمود.

در حقیقت شیعه ی واقعی بودن، وسیله ای است نجات بخش که همچون پناه گاهی مستحکم و استواری می تواند آدمی را در گردنه های صعب العبور یاری رسانده و آنها را از خطرات کمر شکن عالم قبر و قیامت ایمنی بخشد. در حدیث معروف، رسول گرامی اسلام پرده از روی این حقیقت کنار زده، و در این باره به صراحت فرموده است: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُمُ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ».

مثل اهل بیت من، در میان شما مردم همچون کشتی نوح در قومش می باشد کسی که سوار بر این کشتی شد نجات یافته و کسی که از آن جا بماند غرق شده است.

بنابراین طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) دشمنان و مخالفین امر امامت و ولایت، در طوفان بلا، و مصیبت از کشتی حمایت اهل بیت محروم، و از عذاب و سختی های طاقت فرسای پس از مرگ در امان نخواهند بود.

گرز آتشین بر سر مخالف علی (علیه السلام)

مرحوم علامه طباطبایی از قول استاد برجسته خود «حاج میرزا علی آقا قاضی» داستان تکان دهنده ای را در زمینه سزای مخالفت با امامت علی (علیه السلام) را بیان می کند که ما در اینجا به گزیده ای از آن اشاره می کنیم: ایشان می فرماید: در نجف اشرف در نزدیکی منزل ما مادری از دنیا رفت، به هنگام دفن آن ما در، دخترش در اثر شدت علاقه ای که به مادر داشت فریاد می زد: «من از مادرم جدا نمی شوم»

بازماندگان هرچه تلاش کردند تا او را آرام کنند، نتوانستند، سرانجام تصمیم بر آن شد که او نیز همراه مادرش در قبر بخوابد. اما روی قبر را نپوشاندند، بلکه تخته ای روی آن قرار دادند تا هرگاه بخواهد از آن بیرون آید.

آن شب دختر کنار جنازه ی مادر در قبر خوابید، فردای آن شب به سراغ آن قبر آمدند تا از احوال آن دختر مطلع شوند، هنگامی که تخته را برداشتند، ناگهان دیدند تمام موهای سر او سفید شده است! از او سؤال کردند چرا این طور شده ای؟ در پاسخ گفت: آن شب در کنار جنازه ی مادر خوابیدم، ناگهان دیدم دو نفر از فرشتگان آمدند و در دو طرف من ایستادند، و یک شخص محترمی هم آمد و در وسط ایستاد، آن دو فرشته مشغول بازجویی از عقاید مادرم شدند مادر به آن سوالات پاسخ درست می داد. تا اینکه رسیدند به این پرسش که امام تو کیست؟ آن مرد محترم که در وسط ایستاده بود، فرمود: «لستُ لها یامام» من امام او نیستم. آن مرد محترم امام علی (علیه السلام) بود.

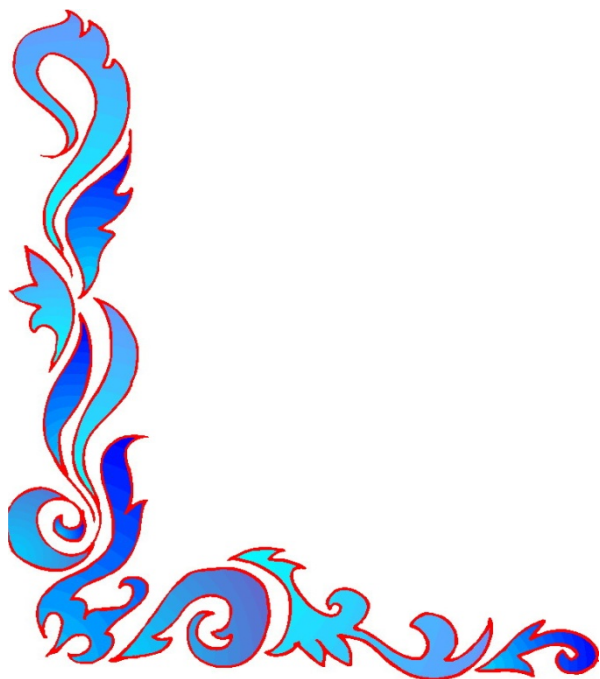
در آن هنگام آن دو فرشته، چنان گرز بر سر مادرم زدند که آتش آن به سوی آسمان زبانه کشید، من در اثر وحشت و ترس زیاد، به این وضع که می بینید در آمدم...

ویرانه صفت، دفینه داری، خوش باش

گر مهر علی به سینه داری خوش باش

تو نوح صفت، سفینه داری خوش باش

روزی که شوند غرق یم، ناخلفان



حجاب فقط...



حجاب فقط یه پوشش در میان انواع پوشش ها نیست

حجاب فقط یه سلیقه در میان سلیقه ها نیست

حجاب فقط یه مرام شخصی یا گروهی خاص در میان مرام هان نیست

حجاب فقط جلوگیرنده ی نگاه ها و پیشنهاد های انسان های دنباله

روی شهوت نیست

حجاب ترجیح دادن خدا بر تمامی نظرها و نگاه ها و سلیقه های
غیر خدا

حجاب ارزش دادن به تلاش های زهراست

حجاب یعنی فهمیدن علت مظلومیت های زهرا

حجاب یعنی کنار زدن تمام فایده های بی حجابی به خاطر خدا و
خود

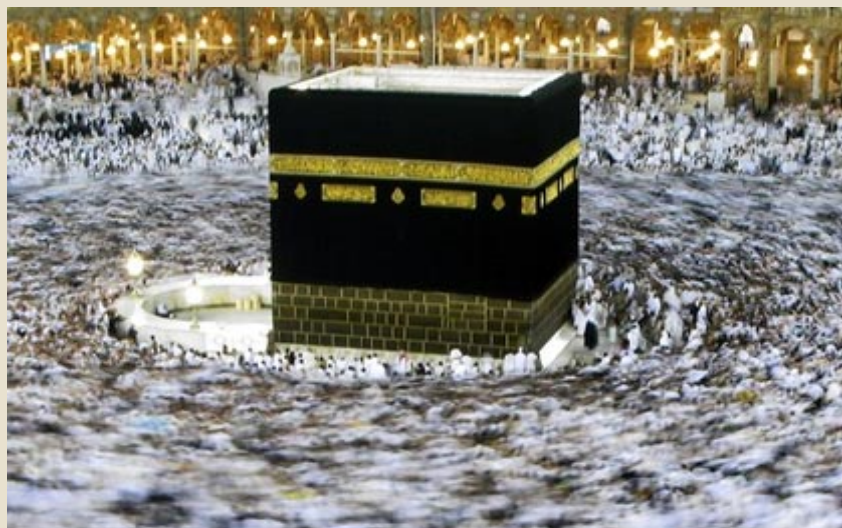
حجاب یعنی می دانم که صلاحم در حجاب است چون خدا صلاحم را
اینگونه می داند

حجاب یعنی ...

چرا حجاج خلاف جهت عقربه‌های ساعت طواف می‌کنند؟

شاگرد پروفیسور حسابی بر اساس علم فیزیک، علت اینکه جهت انجام طواف دور خانه خدا خلاف جهت عقربه‌های ساعت است را تشریح کرد.

حسین اردکانی، دکترای علم فیزیک و از شاگردان پروفیسور حسابی گفت: هر آنچه در شارع مقدس وجود دارد دارای مبنای علمی است به طوری که در اعمال حج آمده است که جهت حرکت برای طواف به سمت چپ و خلاف جهت عقربه‌های ساعت باشد یا اینکه اکثر مراجع تقلید می‌گویند که بهتر است در ناحیه در خانه خدا تا مقام ابراهیم طواف انجام شود. وی افزود: تمام اینها از نظر علم فیزیک قابل اثبات است. در نیمکره شمالی که خانه خدا واقع شده است وقتی هر ذره یا جسمی خلاف جهت عقربه‌های ساعت بچرخد ۵ نیرو به آن وارد می‌شود که جمع این نیروها و انرژی‌ها به سمت داخل است. در بحث طواف هم همین است، ذرات در اینجا انسان‌ها هستند و مجموع این نیروها نیز به سمت مرکز که همان خانه خداست هدایت می‌شود.



این فیزیکی‌دان ادامه داد: اگر در طواف، چرخش به سمت راست انجام می‌شد در علم فیزیک آمده است که گریز از مرکز رخ می‌داد و طبق قانون فیزیک ذرات که در اینجا انسان‌ها هستند به سمت بیرون پرتاب می‌شدند و نیروی آنها به سمت مرکز که همان خانه خداست هدایت نمی‌شد.

اردکانی گفت: حالا اگر خانه خدا در نیمکره جنوبی واقع می‌شد حتماً در دین ما تأکید بر این می‌شد که باید در جهت عقربه‌های ساعت یعنی به سمت راست، طواف خانه خدا انجام شود.

وی درباره تأکید بر طواف بین در خانه خدا و مقام ابراهیم نیز اظهار داشت: هر جسم متحرکی که حرکت دورانی دارد اگر شعاع کم شود، سرعت آن به طور ناخودآگاه زیادتر می شود و تمایل و تمرکز آن به سمت داخل و مرکز بیشتر می شود به همین دلیل اکثر مراجع می گویند که در این فاصله طواف خانه خدا انجام شود چون با این تمرکز، صعود و عروج رخ می دهد.

این دکترای علم فیزیک معتقد است که همه چیز در دنیا بر اساس علم فیزیک قابل بررسی است اما علم انسان در این حد نیست که تمام آنها را دریافت کند.



حجی که میرویم.....

همه حج می روند، ما حج بیاوریم

شاید باری که بر دشمنان است از این هم سنگین تر باشد



شاید صفای کودکان را اینجا، جا گذاشته ایم



شاید خانه آخرت‌مان از این بدتر است



شاید مردم نتوانند از پشت شیشه‌های غبار گرفته‌ی
ماشین‌هایشان، زیبایی و طراوت نوجوانیمان را ببینند



شاید آنچه در دنیا می جستیم از این هم بی ارزش تر بود



و شاید کودکی و پیریمان را اندوهی چنین فرا گرفته باشد



چشمها را باید شست



حدیث قدسی

چه چیزی ز کجا می‌جوییم؟

به حضرت موسی (ع) وحی شد که شش چیز را در شش جای قرار دادم، مردم در شش جای دیگر به دنبال آن می‌گردند.

- ۱- من آسایش را در بهشت خلق کردم، مردم در دنیا به دنبال آن می‌گردند.
- ۲- من رفعت و بزرگی را در تواضع قرار دادم، مردم در تکبر آن را می‌جویند
- ۳- من عزت را در بیداری شب قرار دادم، مردم در دربار سلاطین طلب می‌کنند.
- ۴- من دعای مستجاب را در غذای حلال قرار دادم، مردم در سروسدا دنبال می‌کنند.
- ۵- من علم را در غربت قرار دادم، مردم در وطن جست‌وجو می‌کنند.
- ۶- من رضای خود را مخالفت با هوای نفس قرار دادم، مردم در تبعیت از نفس می‌طلبند.

جملات نغز از مشاهیر جهان

- خواجه عبدالله انصاری :
پیوسته رنج مردم از سه چیز است :
زودتر از وقت چیزی را می‌خواهند و از قسمت، بیش می‌خواهند و آن دیگران از آن خویش می‌خواهند.
- لقمان حکیم :
راز خود را پنهان‌دار رنج بسیار را در طلب آن چه سود بخشد، اندک شمار
- مهاتما گاندی :
اولین تکلیف آدمی، حمایت از ضعفا و جریحه‌دار نکردن یک وجدان بشری است.

• امانوئل کانت :

در عالم دوچیز است که از همه زیباتر است ، آسمانی پرستاره و وجدانی
آسوده

• ارسطو :

ضایع ترین اوقات زندگی ، وقتی است که در غیر طلب حق و بیهوده ، صرف
شود .

• سید جمال اسدآبادی :

بهترین روزگار وقتی است که نادانان یاوه بافته و دانایان خاموش مانند .
• پیکاسو :

اگر آینه نبود من همیشه خود را جوان می دانستم .
• دیل کارنگی :

برای زندگی فکر کنید ولی غصه نخورید .



حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): بسیار دعا کنید برای تعجیل در فرج که فرج شما در آن است



آثار دعای فرج

- ۱- فرمایش حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف): بسیار دعا کنید برای تعجیل در فرج که فرج شما در آن است.
- ۲- این دعا سبب زیاد شدن نعمت هاست.
- ۳- اظهار محبت قلبی است.
- ۴- نشانه ی انتظار است.
- ۵- زنده کردن امر ائمه ی اطهار است.
- ۶- مایه ی ناراحتی شیطان لعین است.
- ۷- نجات یافتن از فتنه های آخرالزمان است.
- ۸- اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است، که اداء حق هر صاحب حقی واجب ترین امور است.
- ۹- تعظیم خداوند و دین خداوند است.
- ۱۰- حضرت صاحب الزمان در حق او دعا می کند.
- ۱۱- شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می شود.

- ۱۲- شفاعت پیغمبر (صلی الله علیه السلام) ان شاء الله شامل حالش می شود.
- ۱۳- این دعا امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او است.
- ۱۴- مایه ی استجابت دعا می شود.
- ۱۵- اداء اجر رسالت است.
- ۱۶- مایه ی دفع بلا است.
- ۱۷- سبب وسعت روزی است ان شاء الله.
- ۱۸- باعث آمرزش گناهان می شود.
- ۱۹- سبب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می شود؛ ان شا الله.
- ۲۰- سبب رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت می شود؛ ان شا الله.
- ۲۱- از برادران پیغمبر (صلی الله علیه السلام) خواهد بود.
- ۲۲- فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) زودتر واقع می شود.
- ۲۳- پیروی از پیغمبر و امامان (علیه السلام) خواهد بود.
- ۲۴- وفای به عهد و پیمان خداوندی است.
- ۲۵- آثار نیکی به والدین برای دعا کننده حاصل می گردد.
- ۲۶- فضیلت رعایت و اداء امانت برایش حاصل می شود.
- ۲۷- زیاد شدن اشراف نور امام (علیه السلام) در دل اوست.
- ۲۸- سبب طولانی شدن عمر است؛ ان شاء الله
- ۲۹- تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوی است.
- ۳۰- رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند است.
- ۳۱- سبب هدایت به نور قرآن مجید است.
- ۳۲- نزد اصحاب اعراف معروف می گردد.
- ۳۳- به ثواب طلب علم نائل می شود ان شاء الله.
- ۳۴- از عقوبت های اخروی ان شاء الله در امان می ماند.
- ۳۵- هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نر می رفتار می شود.
- ۳۶- این دعا اجابت دعوت خدا و رسول (صلی الله علیه السلام) است.
- ۳۷- با امیر المومنین (علیه السلام) و در درجه ی آن حضرت خواهد بود.
- ۳۸- محبوب ترین افراد نزد خداوند خواهد بود.
- ۳۹- عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد پیغمبر (صلی الله علیه السلام) می شود.
- ۴۰- ان شاء الله از اهل بهشت خواهد شد.
- ۴۱- دعای پیغمبر (صلی الله علیه السلام) شامل حالش می گردد.
- ۴۲- خداوند متعال در عبادت، او را تایید می فرماید.

- ۴۳- ان شا الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می شود.
- ۴۴- ثواب کمک به مظلوم را دارد.
- ۴۵- ثواب احترام به بزرگ تر و تواضع نسبت به او را دارد.
- ۴۶- پاداش خون خواهی حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) را دارد.
- ۴۷- شایستگی دریافت احادیث ائمه ی اطهار (علیه السلام) را می یابد.
- ۴۸- کردار های بد او به کردارهای نیک مبدل می گردد.
- ۴۹- نور او برای دیگران نیز در روز قیامت، درخشان می گردد.
- ۵۰- هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می کند.
- ۵۱- دعای امیر المومنین (علیه السلام) در روز قیامت شاملش می گردد.
- ۵۲- بی حساب داخل بهشت شود.
- ۵۳- از تشنگی روز قیامت در امان می ماند.
- ۵۴- در بهشت جاودان است.
- ۵۵- مایه ی خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل اوست.
- ۵۶- روز قیامت هدیه ای ویژه دریافت می دارد.
- ۵۷- خداوند عز وجل از خدمت گزاران بهشت نصیبش می فرماید.
- ۵۸- در سایه ی گسترده ی خدا قرار گرفته و رحمت بر او نازل گردد، مادامی که مشغول آن دعا باشد.
- ۵۹- پاداش نصیحت مومن را دارد.
- ۶۰- مجلسی که در آن برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا شود، محل حضور فرشتگان می گردد.
- ۶۱- دعا کننده مورد مباحات خداوند می گردد.
- ۶۲- فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.
- ۶۳- از نیکان مردم - پس از ائمه ی اطهار - می شود.
- ۶۴- این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعت شان را واجب ساخته است.
- ۶۵- مایه ی خرسندی خداوند عز وجل می شود.
- ۶۶- مایه ی خشنودی پیغمبر (صلی الله علیه السلام) می گردد.
- ۶۷- این دعا خوشایند ترین اعمال نزد خداوند است.
- ۶۸- از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت می دهد ، ان شاء الله.
- ۶۹- حساب او آسان می شود.
- ۷۰- این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود.
- ۷۱- این عمل بهترین اعمال است.

- ۷۲- باعث دوری غصه ها می شود.
- ۷۳- دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور است امام (علیه السلام) است.
- ۷۴- فرشتگان درباره اش دعا می کنند.
- ۷۵- دعای حضرت سیدالسادین (علیه السلام)، که نکات و فوائد متعددی دارد، شامل حالش می شود.
- ۷۶- این دعا تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
- ۷۷- چنگ زدن به ریسمان الهی است.
- ۷۸- سبب کامل شدن ایمان است.
- ۷۹- مانند ثواب همه ی بندگان به او می رسد.
- ۸۰- تعظیم شعاع خداوند است.
- ۸۱- این دعا ثواب کسی است که با پیغمبر (صلی الله علیه السلام) شهید شده را دارد.
- ۸۲- ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهید شده را دارد.
- ۸۳- ثواب احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان "عجل الله فرجه" را دارد.
- ۸۴- در این دعا ثواب گرامی داشتن عالم هست.
- ۸۵- پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد.
- ۸۶- در میان گروه ائمه ی اطهار (علیه السلام) مشهور می شود.
- ۸۷- درجات او در بهشت بالا می رود.
- ۸۸- از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند.
- ۸۹- به بالاترین درجات شهدای روز قیامت نائل می شود.
- ۹۰- رستگاری به سبب شفاعت فاطمه ی زهرا (علیه السلام) را در پی دارد.

منابع:

مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۱ (ترجمه ی سید مهدی حائری قزوینی)
موعود نامه (تالیف مجتبی تونه ای)

ماویٰ الحسین محمد بن علی
مجتبى بن ابی طاهر

حضور قلب در نماز یعنی چه؟



انسان در مسیر زندگی دنیایی خویش، لحظاتی شیرین و به یاد ماندنی را تجربه می کند که شیرینی آن، همیشه در کام وجودش ماندگار است. از بین تمام این لحظات، شیرین ترین لحظات عمر یک مؤمن واقعی، لحظاتی است که با خدای بی نیاز به خلوت نشسته و به راز و نیاز و عبادت با حضرت حق می پردازد.

البته این شیرینی را، انسانی می تواند احساس کند که طعم ایمان واقعی را از عمق جانش چشیده باشد. چنین کسی هرگز حاضر نیست که این لحظه ی زیبا و دلربا را با تمام دنیا و آنچه در آن است معاوضه نماید.

او در حال عبادت و نماز که زیباترین مصداق عبادت است، به معشوق واقعی خویش دست یافته و از خلوت با او به چنان لذتی دست یافته که در کل این عالم، برای آن ماندی نمی بیند، و لذا به هیچ قیمتی حاضر نیست آن را از دست بدهد.

در میان عبادات، هیچ عبادتی به مانند نماز، نمی تواند قلب کوچک آدمی را به دریای بی کران رحمت الهی وصل نماید، و روح انسان را از سرچشمه ی فیوضات بی انتهای خداوند بی همتا، سیراب نماید.

لحظه ی نماز، باشکوه ترین لحظه ی ارتباط انسان سراپا نیاز به وجود مطلق بی نیاز است. در حقیقت آن لحظه ی نورانی، فرصتی است طلایی که خداوند مهربان، بر ما منت نهاده و از سر لطف و محبتی که به بندگانش دارد، آن را در

اختیار ما قرار داده، تا در آن فرصت زیبا، بتوانیم، قلب و جان خود را از عالم طبیعت و خاک، جدا نموده و روحمان را به عالم بالا پرواز داده و در سایه ی این پرواز ملکوتی، به جان خود صفا و جلاء بخشیم.

سرور عالم، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در کلامی زیبا، نماز را به سر انسان تشبیه نموده و می فرماید: «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» ۱؛ جایگاه نماز در دین، همانند جایگاه سر در بدن است.

این تشبیه زیبا، در کلام نورانی حضرت بدین خاطر است که، در بدن آدمی هر عضوی از اعضاء بدن به نوبه ی خود، وظیفه ای مهم را عهده دار هستند، ولی در این میان نقش سر، از همه مهمتر است، زیرا مغز که فرمانده ی بدن بوده و تصمیم گیری ها در آن انجام می گیرد، در سر انسان قرار گرفته است.

الله اکبر با نور دلربای خود به ما می گوید خدا بزرگتر است از اینکه با قلم و بیان ناچیزمان وصف شود، بزرگتر از فکر و خیال ما، بزرگتر از هوسها و وسوسه های شیطانی و جلوه های دنیا، این است آن راز نهفته در ذکر نورانی «الله اکبر»، راستی اگر واقعا خدا در نظر ما بزرگتر از هر چیزی باشد و کلمه ی «الله اکبر» از عمق جان ما برآید، دنیا با تمام جاذبه ها و جلوه هایش، در نظر ما کوچک و بی مقدار خواهد شد که نتیجه ی چنین حالتی، حضور جانانه و عاشقانه در نماز است.

بنابراین به یقین می توان گفت: بدن منهای سر، موجود بی خاصیتی است که فاقد هرگونه ارزش است، در ساختمان دین ما نیز، نماز همانند سر در بدن آدمی است، که اگر نباشد، پایه ی ساختمان دین ما، سست شده و از ارزش ساقط می شود.

حضور ی عاشقانه

آدمی در این کره ی خاکی همیشه آرزوهایی را در آسمان ذهن خود به زیباترین شکل نقاشی نموده و برای رسیدن به آنها، نهایت تلاش خود را انجام می دهد. طبیعی است که از میان انبوه آرزوهایش یکی از آنها، بیشتر خودنمایی کرده و چون ستاره ای چشمک زنان از او دلربایی می کند، مؤمنین خداجویی نیز، از این امر مستثنی نبوده، آنها در صفحه ی قلب خود آرزویی را حک نموده اند که از نظر اهمیت، در حدی است که بیان و قلم از توصیف آن عاجز است.

آن آرزوی نورانی و آسمانی که همواره فکر و اندیشه مؤمن را به خود مشغول نموده این است که به هنگام اوقات معنوی نماز، نمازی آبرومند را به درگاه الهی تقدیم نموده، به گونه ای که در آن حضوری عاشقانه در محضر خداوند بی نیاز داشته باشد که در لسان ادبیات اسلامی، از آن به حضور قلب تعبیر می شود.

معنای حضور قلب

حضور قلب در نماز به این معنا است که انسان در نماز، دل را با زبان همراه نماید، به گونه ای که با تمام وجود، خود را در محضر خداوند بی مثال ببیند و تمام توجه و حواس خود را به سوی آن قدرت بی نظیر، متمرکز نماید، و به تعبیر عوامانه، شش دانگ حواسش نزد خداوند بی همتا باشد.

در نماز، باید تمام مملکت باطن را در اختیار حضرت حق قرار داده و با چشم دل به جمال یار بنگریم تا شربت حیاتبخش عشق را به ما چشانده و با آن عمق وجودمان را سیراب نماییم.

نمازی که در آن انسان، فقط زبانش ذکر خدا بگوید و دلش جای دیگر باشد، عین نفاق و دورویی است. ششمین اختر تابناک آسمان ولایت امام صادق (علیه السلام) در مورد چنین اشخاصی می فرماید: خداوند به چنین نمازگزارانی خطاب می

کند: «اتَّخِذْ عُنِيَ؟ وَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي، لَا حَرَمَنَّكَ حُلَاوَةً ذَكَرِي، لَا حَبَبَنَّكَ عَنْ قُرْبِي
وَالْمَسْرَّةِ بِمَنَاجَاتِي.» ۲ آیا با من حيله گری و نیرنگ می کنی؟ سوگند به عزت و
جلال خودم، شیرینی یاد خود را از تو می گیرم و تو را از مقام قرب خویش و
لذت مناجاتم محروم می کنم.

در میان عبادات، هیچ عبادتی به مانند نماز، نمی تواند قلب کوچک آدمی را به
دریای بی کران رحمت الهی وصل نماید، و روح انسان را از سرچشمه ی فیوضات
بی انتهای خداوند بی همتا، سیراب نماید.



راستی چه عذابی بالاتر از این، که انسان از ذکر و یاد
خدا و از خلوت با خدا لذت نبرد! عذابی است دردناک
که قلب و جان آدمی را به آتش می کشد.

گاهی انسان، در کنار دوستانش ساعتها به سخن می نشیند
بدون اینکه احساس خستگی و ناراحتی کند ولی همین شخص در نماز احساس
خستگی دارد و نماز خواندن برای او ملال آور است و این نیست مگر به خاطر
عدم حضور قلب در نماز. در حقیقت توجه قلبی نداشتن به خدا، لذت عبادت را
از او گرفته و لذا طبیعی است که در نماز احساس خستگی و ناراحتی داشته باشد.

راز نهفته در کلمه ی «الله اکبر»

اگر مؤمن بخواهد در نماز، حلقه ی جان خود را به چشمه ی زلال محبت الهی
پیوند زده و با شور و اشتیاقی فراوان با معبود خویش، سخن بگوید و نمازی جانانه
به درگاه او تقدیم نماید، باید در کلمه ی زیبای «الله اکبر» دقت نموده و با تمام
وجود در پی یافتن پیام آن باشد، زیرا در باطن این ذکر شریف رازی نهفته است
که حضور قلب در نماز، بدون دست یافتن به آن ناممکن است. الله اکبر با نور
دلربای خود به ما می گوید خدا بزرگتر است از اینکه با قلم و بیان ناچیزمان
وصف شود، بزرگتر از فکر و خیال ما، بزرگتر از هوسها و وسوسه های شیطانی و

جلوه های دنیا، این است آن راز نهفته در ذکر نورانی «الله اکبر»، راستی اگر واقعا خدا در نظر ما بزرگتر از هر چیزی باشد و کلمه ی «الله اکبر» از عمق جان ما برآید، دنیا با تمام جاذبه ها و جلوه هایش، در نظر ما کوچک و بی مقدار خواهد شد که نتیجه ی چنین حالتی، حضور جانانه و عاشقانه در نماز است.

بنده ای که چنین نماز جانانه ای به درگاه الهی تقدیم نموده باید بداند که خدا نیز در مقابل، پاداشی جانانه برای او در نظر گرفته است. عزیز عالم، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يُحْدِثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ.» ۳ هر کس دو رکعت نماز به جا آورد و در آن ذهنش به هیچ یک از امور دنیایی مشغول نباشد، خداوند گناهش را می آمرزد؛ یعنی صفحه ی قلبش از چرک و کثافت گناه پاک و آینه ی دلش، صاف و شفاف شده، به گونه ای که نور رحمت الهی را در دل خود احساس می کند که این پاداشی است که هرگز نمی توان برای آن قیمتی تعیین نمود.

گاهی انسان، در کنار دوستانش ساعتها به سخن می نشیند بدون اینکه احساس خستگی و ناراحتی کند ولی همین شخص در نماز احساس خستگی دارد و نماز خواندن برای او ملال آور است و این نیست مگر به خاطر عدم حضور قلب در نماز. در حقیقت توجه قلبی نداشتن به خدا، لذت عبادت را از او گرفته و لذا طبیعی است که در نماز احساس خستگی و ناراحتی داشته باشد.

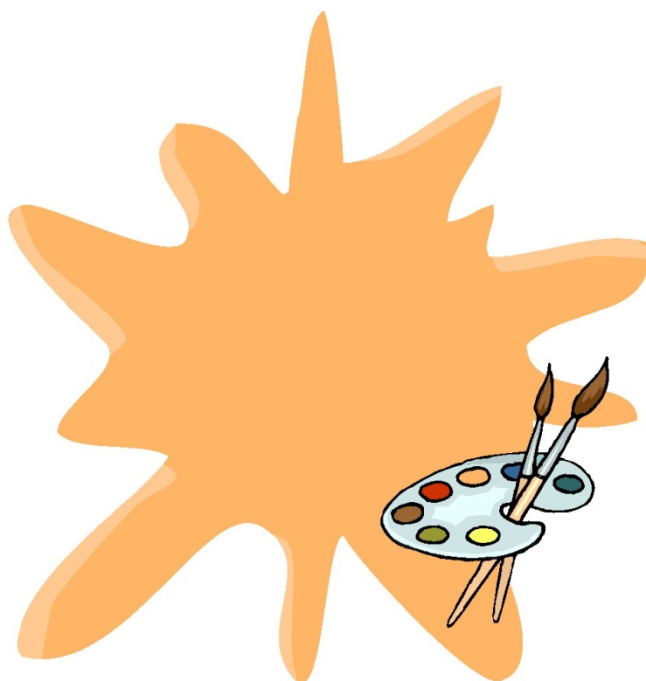
نمازی آبرومند

امام باقر علیه السلام در شأن پدر بزرگوار خود امام سجاد علیه السلام می فرماید: آن حضرت در شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند، او در نخلستان دارای پانصد نخله خرما بود، در کنار هر یک از آن نخله ها، دو رکعت نماز می خواند، هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگش تغییر می کرد، حال او در نماز چون حال برده ی ذلیل در برابر پادشاه بزرگ بود، اعضاء بدنش می لرزید و به گونه ای نماز می خواند که گویی آخرین نماز اوست و هرگز بعد از آن زنده نمی ماند.

شبى مشغول نماز بود، يکى از پسرانش در کنارش به زمين افتاد و دستش شکست.
اهل خانه جيغ و فریاد کشیدند، همسایه ها آمدند و شکسته بند آوردند، آن
کودک از شدت درد فریاد مى کشید، شکسته بند، دست او را بست ولی امام
سجاد(علیه السلام) از این فریادها و صداها، چیزی نشنید، تا این که صبح آن شب،
حضرت با کمال تعجب دیدند که دست فرزندش به گردنش آویزان است!
فرموده: چه شده؟! ماجرا را به سمع حضورش رساندند.

در مورد دیگری او در حال سجده نماز بود، آتش سوزى سختى در خانه حضرت
رخ داد، حاضران فریاد مى زدند: «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّارُ النَّارُ»؛ ای فرزند رسول
خدا! آتش آتش.

آن حضرت، سر مبارک را بلند نکرد تا این که آتش خاموش گردید، پس از
سجده به آن حضرت گفته شد: چه چیز شما را از توجه به آتش سوزى بازداشت؟!
در پاسخ فرمود: «الْهَتْنَى عَنْهَا النَّارُ الْكُبْرَى»؛ آتش عظیم دوزخ مرا از توجه به این
آتش سوزى، غافل ساخت.۴



حضور قلب در نماز

روح نماز

نماز یکی از برترین عبادات است. ارتباط مخصوص بنده با خداوند و ملاقات شیرین و دلنشین عبد با مولای خود است .

نماز مانند دیگر عبادات، یک پیکره و اندامی دارد و یک روحی !

پیکر نماز

پیکر نماز عبارتند از: قیام، رکوع، سجود، تشهد، و اذکاری که در نماز بزبان جاری میکنیم، ولی روح نماز، یاد خداوند است، که به آن حضور قلب گفته میشود یعنی قلب حاضر باشد همچنان که در بقیه مخاطبات و مکالمات با افراد قلب حضور دارد یعنی انسان توجه به مخاطب خود و معنی سخنی که میگوید دارد .

بر این اساس نمازی که بدون حضور قلب و یاد خداوند باشد پیکری بدون روح است که فقط تشکیل شده از حرکاتی و الفاظی !! و اصولاً تمام توصیفات که از نماز شده است مانند: «الصلوة معراج المؤمن» «نماز معراج مؤمن است» و «یا الصلوة قربان کل تقی» «نماز نزدیک کننده انسان با تقوی به خداوند است» مربوط به نماز با حضور قلب است .

و این سخن از ائمه علیهم السلام رسیده که: از نماز آن مقداری که با حضور قلب باشد پذیرفته میشود .

یعنی نماز گزار از آغاز تا پایان نماز، باید کوشش کند خود را به صورت واقعی و حقیقی در



محضر پروردگار ببیند و دل را که حرم پرودگار است به روی غیر خدا نگشاید .
او این نکته را همگی در نظر داشته باشیم که ریشه همه آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی که عبادات است در یک چیز است :
یاد کردن حق و غیر او را از یاد بردن !!!

نماز در قرآن

قرآن مجید در آیات فراوانی - حدود هشتاد آیه - با تعبیر های گوناگون درباره اقامه نماز یا حدود و احکام آن سخن گفته است یا از نمازگزاران تمجید نموده و بی نمازان را سخت توبیخ کرده. بطور مثال به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - دستور می دهد :

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» طه؛ ۱۳۲

کسان خود را به نماز فرمان بده و بر نماز پایداری کن .

در آیه دیگر مؤمنان را سفارش به نماز می کند و می فرماید :

«قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ» ابراهیم؛ ۳۱

به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را به پا دارند .

قرآن مجید در یک جا به اثر تربیتی و جنبه تقویت روحی نماز اشاره میکند و می گوید :

«نماز از کار بد و زشت باز می دارد» و در جای دیگر می گوید :

«نماز را برای اینکه به یاد من باشی پیادار»

اشاره به اینکه انسان که نماز می خواند و در یاد خدا است همواره در یاد دارد که خدای

دانا و بینائی مراقب اوست و فراموش نمی کند که خودش بنده است .

ذکر خدا و یاد خدا که هدف تمامی عبادتهاست دل را جلا میدهد و صفا می بخشد و آنرا

آماده عنایتهای الهی قرار میدهد .

این یاد حق و احساس حضور، اگر به درجه کمالی خود برسد چنانچه که در اولیاء خداوند

مشاهده میشود، زمینه هر گونه توجه به هر چیز یا هر کس یا هر موضوعی را از بین می برد و

واقعاً تا انسان از نماز فارغ نشود متوجه غیر

خدا نخواهد شد .

آداب نماز در روایات:

نماز، آداب و حدودی دارد که رعایت آن بر

نمازگزار لازم و ضروری است و توجه و دقت

در آن نشانگر اهمیّت دادن او به نماز است .

قرآن به مؤمنین دستور می دهد :

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»



اعراف؛ ۳۱

ای فرزندان آدم! زینتهای (مادی و معنوی) خود را هنگام رفتن به هر مسجدی با خود بردارید .

زینتهای مادی شامل پوشیدن لباسهای مرتب، پاک، تمیز، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن می شود و زینتهای معنوی، صفات انسانی، ملکات اخلاقی، پاکی نیت و اخلاص را در بر می گیرد .

امام رضا - علیه السلام - در این باره چنین فرموده است :

«هر گاه بخواهی نماز به جای آوری، در حال کسالت و خواب آلودگی و شتابزدگی و هوا پرستی به نماز نایست، بلکه آن را با آرامش و وقار و هشیاری به پا دار. و بر تو باد به افتادگی و فروتنی در برابر خداوند بزرگ، بر تو باد به واهمه و پریدگی رنگ، بین بیم و امید ... همچون برده فراری و سرافکنده در پیشگاه خدا بایست؛ پاهایت را استوار و قامتت را مستقیم بدار و به چپ و راست منگر، گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند؛ و در وقت نماز با ریش خود و با هیچ یک از اعضای بدن باز می مکن .»

امام خمینی - قدس سره - درباره رعایت آداب نماز می نویسد :

«سزاوار است که نمازگزار با حالت سنگینی و وقار با لباس آراسته و عطرزده و مسواک کرده و موهای شانه کرده باشد.»

نماز اول وقت

پاسخ سریع به خواسته بزرگان، نشانه احترام و ادب نسبت به آنان است. از این رو، افراد نمازگزار به مجرد شنیدن نوای ملکوتی اذان که اقامه نماز را از جانب خدا اعلان می دارد، همه کارهای خویش را تعطیل کرده، به نماز می ایستند و بویژه به هنگام سحر، خود را پیش از اذان صبح آماده حضور در پیشگاه خدا نموده و زمزمه های عاشقانه خویش را با نسیم سحری در هم می آمیزند، چنانچه قرآن درباره آنان می فرماید :

«وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ذاریات؛ ۱۸

و در سحرگاهان از خدا بخشش می طلبند .

امام باقر - علیه السلام - فرمود

«إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»

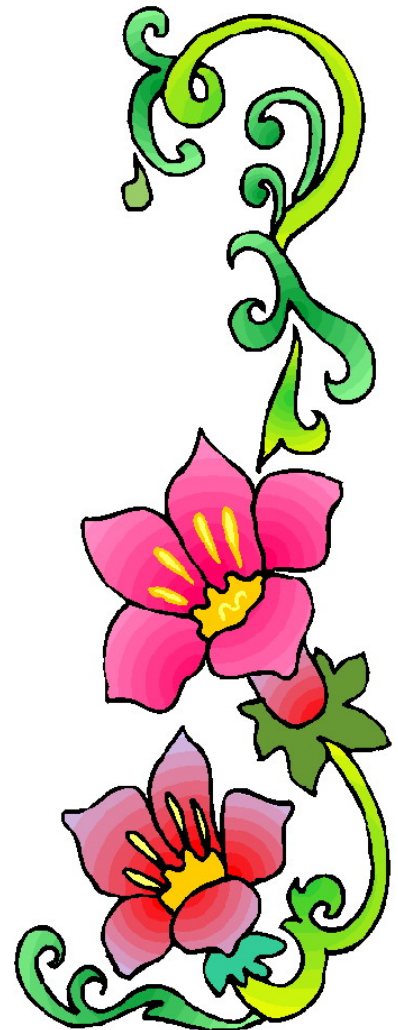
برتری اول وقت بر دیگر وقتها همچون برتری آخرت بر دنیا است .

چند نکته عملی

بعضی از اموری که در حضور قلب در نماز تأثیر دارد عبارتند از :

۱. هنگام وضو برای نماز به خداوند توجه داشته باشد .
۲. در مواقعی که در منزل نماز میخواند مکان مشخص و ثابتی را برای نماز خود قرار دهد، وسیعی کند در موقع نماز خلوت باشد .
۳. در نماز از سجاده ، انگشتر عقیق ، و عطر استفاده کند که روایاتی در استحباب آنها نیز رسیده است .
۴. اذکار نماز را با توجه ادا کند و شمرده نماز بخواند .
۵. از اذکار متنوع استفاده کند .

واز همه مهم تر اینکه بر حضور قلب در نماز عزم جدی داشته باشد و در تمام نماز به آن متوجه باشد .



حقایق جالب از زندگی



At least 5 people in this world love you so much they would die for you

حداقل پنج نفر در این دنیا هستند که به حدی تو را دوست دارند، که حاضرند برایت بمیرند

At least 15 people in this world love you, in some way

حداقل پانزده نفر در این دنیا هستند که تو را به یک نحوی دوست دارند

The only reason anyone would ever hate you, is because they want to be just like you

تنها دلیلی که باعث میشود یک نفر از تو متنفر باشد، اینست که می خواهد دقیقاً مثل تو باشد

A smile from you, can bring happiness to anyone, even if they don't like you

یک لبخند از طرف تو میتواند موجب شادی کسی شود
حتی کسانی که ممکن است تو را نشناسند

Every night, SOMEONE thinks about you before he/ she goes to sleep

هر شب، یک نفر قبل از اینکه به خواب برود به تو فکر می کند

You are special and unique, in your own way

تو در نوع خود استثنایی و بی نظیر هستی

Someone that you don't know even exists, loves you

یک نفر تو را دوست دارد، که حتی از وجودش بی اطلاع هستی

When you make the biggest mistake ever, something good comes from it

وقتی بزرگترین اشتباهات زندگیت را انجام می دهی ممکن است منجر به اتفاق خوبی شود

When you think the world has turned it's back on you, take a look

you most likely turned your back on the world

وقتی خیال می کنی که دنیا به تو پشت کرده، کمی فکر کن،

شاید این تو هستی که پشت به دنیا کرده ای

**Always tell someone how you feel about them
you will feel much better when they know**

همیشه احساسات را نسبت به دیگران برای آنها بیان کن،

وقتی آنها از احساسات نسبت به خود آگاه می شوند احساس بهتری خواهی داشت

If you have great friends, take the time to let them know that they are great

وقتی دوستان فوق العاده ای داشتی به آنها فرصت بده تا متوجه شوند که فوق العاده هستند



حکایت یک گورکن

یافت مردی گورکن عمری دراز

سایلی گفتش که چیزی گوی باز

تا چو عمری گور کندی در مگاک

چه عجایب دیده ای در زیر خاک

گفت این دیدم عجایب حسب حال

کین سگ نفسم همی هفتاد سال

گور کنندن دید و یک ساعت نمرد

یک دمم فرمان یک طاعت نبرد

"عطار نیشابوری"

از کتاب "منطق الطیر"



جوانی با چاقو وارد مسجد شد و گفت : بین شما کسی هست که مسلمان باشد ؟ همه با ترس و تعجب به هم نگاه کردند و سکوت در مسجد حکمفرما شد ، بالاخره پیرمردی با ریش سفید از جا برخاست و گفت : آری من مسلمانم. جوان به پیرمرد نگاهی کرد و گفت با من بیا ، پیرمرد بدنبال جوان به راه افتاد و با هم چند قدمی از مسجد دور شدند ، جوان با اشاره به گله گوسفندان به پیرمرد گفت که میخواهد تمام آنها را قربانی کند و بین فقرا پخش کند و به کمک احتیاج دارد ، پیرمرد و جوان مشغول قربانی کردن گوسفندان شدند و پس از مدتی پیرمرد خسته شد و به جوان گفت که به مسجد باز گردد و شخص دیگری را برای کمک با خود بیاورد. جوان با چاقوی خون آلود به مسجد بازگشت و باز پرسید : آیا مسلمان دیگری در بین شما هست ؟ افراد حاضر در مسجد که گمان کردند جوان پیرمرد را بقتل رسانده نگاهشان را به پیش نماز مسجد دوختند ، پیش نماز رو به جمعیت کرد و گفت : چرا نگاه میکنید ، به عیسی مسیح قسم که با چند رکعت نماز خواندن کسی مسلمان نمیشود !



حکمت ۱۵۰ نهج البلاغه

مردی از امام علی (علیه السلام) درخواست اندرز کرد درود خدا بر او، فرمود:

از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است،

و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می اندازد،

در دنیا چونان زاهدان سخن می گوید،

اما در رفتار همانند دنیا پرستان است،

اگر نعمت ها به او برسد سیر نمی شود،

و در محرومیت قناعت ندارد،

از آنچه به او رسید شکر گزار نیست

و از آنچه مانده، زیاده طلب است.

دیگران را پرهیز می دهد اما خود پروا ندارد،

به فرمانبرداری امر می کند اما خود فرمان نمی برد،

نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد،

گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است،

و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمی دارد،

اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت پافشاری دارد،

اگر بیمار شود پشیمان می شود،

و اگر بهبود یابد با ایمنی سرگرم کارهای باطل می گردد

خودش را می پسندد زمانی که عافیت یابد

و مایوس می گردد زمانی که گرفتار شود

اگر مصیبتی به او رسد به زاری خدا را می خواند؛

و اگر به گشایش، دست یافت مغرورانه از خدا روی بر می گرداند،

نفس به نیروی گمان ناروا بر او چیرگی دارد،

و او با قدرت یقین بر نفس چیره نمی گردد.

برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند تکران،

و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است.

اگر بی نیاز گردد مست و مغرور شود ،
و اگر تهی دست گردد ، مأیوس و سست شود ،
چون کار کند در آن کوتاهی ورزد ،
و چون چیزی خواهد زیاده روی نماید ،
چون در برابر شهوت قرار گیرد گناه را برگزیده ، توبه را به تأخیر اندازد ،
و چون رنجی به او رسد از راه ملت اسلام دوری گزیند ،
عبرت آموزی را طرح می کند اما خود عبرت نمی گیرد ،
در پند دادن مبالغه می کند اما خود پند پذیر نمی باشد .
سخن بسیار می گوید ، اما کردار خوب او اندک است !
برای دنیای زودگذر تلاش و رقابت دارد
اما برای آخرت جاویدان آسان می گذرد ؛
سود را زیان و زیان را سود می پندارد ،
از مرگ هراسناک است اما فرصت را از دست می دهد ،
گناه دیگران را بزرگ می شمارد ،
اما گناهان بزرگ خود را کوچک می پندارد ،
طاعت خود را زیاد نشان می دهد و عبادت دیگران را حقیر می شمارد
پس او بر مردم طعنه گیر و بر خود سهل گیر است .
خوشگذرانی با سرمایه داران را بیشتر از یاد خدا با مستمندان دوست دارد ،
به نفع خود بر زیان دیگران حکم می کند
اما هرگز به نفع دیگران بر زیان خود حکم نخواهد کرد .
دیگران را ارشاد می کند و خود را به ضلالت و بدبختی می اندازد
پس او را اطاعت می شود و خود نافرمانی می کند
-حقوق خود را از مردم و جامعه - به طور کامل می گیرد و -حقوق مردم و
جامعه را- نمی پردازد
از مردم در باره ی غیر پروردگارش می ترسد و از پروردگارش در باره مخلوقات
الهی نمی ترسد .

حکایت سگ اصحاب کهف

سگ اصحاب کهف از غار بیرون آمد تا تجربه شگفتش را با مردمان در میان بگذارد.

می خواست بگوید که چگونه سگی می تواند مردم شود.

اما او نمی دانست که مردمان به سگان گوش نمی دهند، حتی اگر به زبان آدمیان صحبت کنند.

سگ اصحاب کهف، زبان به سخن باز کرد اما پیش از آن که چیزی بگوید، سنگش زدند و چوبش زدند، رنجور و زخمی اش کردند.

سگ اصحاب کهف گریست و گفت: من هشتمین آن هفت نفرم. با من این گونه نکنید.

آیا کتاب خدا را نخوانده اید؟

آیا نمی دانید پروردگار از من چگونه به نیکی یاد می کند؟

هزار سال پیش از این خوی سگی ام را کشتم و پلیدی ام را شستم، امروز از غارم بیرون آمدم که بگویم چگونه سگی می تواند به آدمی بدل شود، اما دیدم که چگونه آدمی بدل به دام و دد شده است.

دست هایی از خشم و خشونت دارید، می درید و می کشید. دندان تیز کرده اید و جهان را پاره پاره می کنید.

این سگ که آن همه از او نفرت دارید، نام من است اما خوی شماست.

سگ اصحاب کھف گفت: آمده بودم از تغییر برایتان بگویم. از تبدیل، از
ماجرای رشد و از فراتر رفتن.

اما می بینم که شما از تبدیل، تنها فروتر رفتن را بلدید.

با چشم های اعتیاد به جهان نگاه کرده و با پیش داوری زندگی
می کنید.

چرا اجازه نمی دهید تا کسی پلیدی اش را پاک کند و نجاستش را
تطهیر.

چرا نیاموخته اید که به دیگری گوش دهید. شاید دیگری سگی باشد، اما
حقیقت را گاهی از زبان سگی نیز می توان شنید.

سگ اصحاب کھف به غارش بازگشت و پیش خدا گریست و از خدا
خواست تا او را دوباره به خواب ببرد.

خدا نوازشش کرد و سگ اصحاب کھف برای ابد به خواب رفت.



خاطره ای از سردار شهید الیاس حامدی معاون گردان صاحب الزمان (عج) لشکرویه ۲۵ کربلا



وقتی به اندیمشک رسیدم اول شماره تلفنی که آن اسیر اعلام کرده بود را گرفتیم دیدیم کسی جواب نمی دهد من گفتم بهتر است همان شماره ای را بگیریم که در خواب به شما الهام شد.

عملیات والفجر مقدماتی تمام شده بود. از این که نتوانسته بودیم در عملیات شرکت کنیم ناراحت بودیم. سردار شهید الیاس حامدی معاون گردان صاحب الزمان (عج) رادیو کوچکی داشت که اخبار جبهه ها را از آن پیگیری می کرد. یک روز که موج رادیو را می چرخاند بر حسب اتفاق رادیو عراق را گرفت. وقتی گوینده اعلام کرد که با چند نفر از اسرای ایرانی قصد مصاحبه دارد شهید حامدی کمی مکث کرد تا از اسرا خبری کسب کند. بعد از چند لحظه اسیری خود را اهل اندیمشک معرفی کرد و گفت: با شماره تلفنی که اعلام می کند خبر سلامتی او را به خانواده اش برسانیم. شهید حامدی شماره تلفن را یادداشت کرد و گفت: بیا برویم به خانواده اش خبر بدهیم...

بنا به دلایلی آن روز نتوانستیم خبر سلامتی آن برادر را به خانواده اش برسانیم شب همان روز شهید حامدی دو سید نورانی را در خواب می بیند که به او می گویند: چرا

خبر سلامتی اسیر را به خانواده‌اش نرساندید؟ این اسیر پسری به نام عباس دارد که دیشب تا صبح برای پدرش گریه کرده است. آن دو سید بزرگوار به شهید حامدی می‌گویند: شماره تلفنی را که یادداشت کرده‌اید اشتباه است و شماره تلفن صحیح را به الیاس می‌دهند. صبح وقتی شهید حامدی خواب را برایشان تعریف کرد مو در بدنمان سیخ شد.

وقتی به اندیمشک رسیدم اول شماره تلفنی که آن اسیر اعلام کرده بود را گرفتیم دیدیم کسی جواب نمی‌دهد من گفتم بهتر است همان شماره ای را بگیریم که در خواب به شما الهام شد.

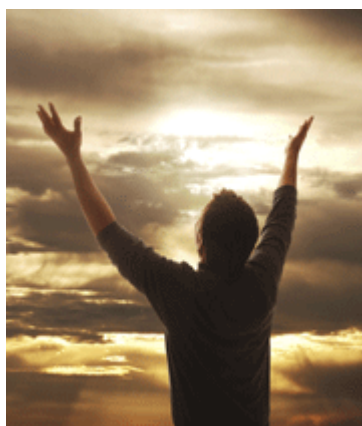
همین کار را کردیم پیرمردی جواب ما را داد بعد از احوالپرسی آدرس او را گرفتیم و به اتفاق هم به سمت منزل این مرد که عربی تکلم می‌کرد رفتیم. وقتی الیاس ماجرای خواب را برای ایشان تعریف کرد به خصوص در مورد اسم پسر کوچک اسیر و

گریه‌ی شب گذشته‌اش مطالبی را گفت و آن مرد عرب بلند شد و گفت: تا امروز شک داشتم ولی دیگر باورم شد که شما سرباز واقعی امام زمان (عج) هستید.

راوی: قلی هادوی از رزمندگان لشکر ویژه ۲۵ کربلا



خالق بخشنده



خیز، ای بنده محروم و گنهکار بیا
یک شب ای خفته غفلت زده بیدار بیا
بس شب و روز که در زیر لَحَد خواهی خفت
دَم غنیمت بشمار امشب و بیدار بیا
شب فیض است و در توبه و رحمت باز است
خیز، ای عبد پشیمان و خطاکار بیا
پرده شب که بود آیت ستّاری من
دور از دیده مردم، به شب تار بیا
این تویی، بنده آلوده و شرمنده من
این منم، خالق بخشنده ستّار بیا
مگشا دست نیازت به عطای دگران
دل به من بسته و بگسسته ز اغیار بیا
فرصت از دست مده، می گذرد این لحظات
منشین غافل و بی حاصل و بیکار بیا

خدا از نگاه ملاصدرا

خداوند بی نهایت است و لا مکان و بی زمان
اما بقدر فهم تو کوچک میشود
و بقدر نیاز تو فرود می آید
و بقدر آرزوی تو گسترده میشود
و بقدر ایمان تو کارگشا میشود
و به قدر نخ پیر زنان دوزنده باریک میشود
و به قدر دل امیدواران گرم میشود

یتیمان را پدر می شود و مادر
بی برادران را برادر می شود
بی همسر ماندگان را همسر میشود
عقیمان را فرزند میشود
ناامیدان را امید می شود
گمگشتگان را راه میشود
در تاریکی ماندگان را نور میشود
رزمندگان را شمشیر می شود
پیران را عصا می شود
و محتاجان به عشق را عشق می شود
خداوند همه چیز می شود همه کس را
به شرط اعتقاد
به شرط پاکی دل
به شرط طهارت روح
به شرط پرهیز از معامله با ابلیس
بشوید قلب هایتان را از هر احساس ناروا

و مغز هایتان را از هر اندیشه خلاف
و زبان هایتان را از هر گفتار ناپاک
و دست هایتان را از هر آلودگی در بازار
و پیرهیزید

از ناجوانمردیها

ناراستی ها

نامردمی ها!

چنین کنید تا ببینید که خداوند

چگونه بر سر سفره ی شما

با کاسه یی خوراک و تکه ای نان می نشیند

و بر بند تاب، با کودکان تاب میخورد

و در دکان شما کفه های ترازویتان را میزان میکند

و در کوچه های خلوت شب با شما آواز میخواند

مگر از زندگی چه میخواهید

که در خدایی خدا یافت نمیشود؟

که به شیطان پناه میبرید؟

که در عشق یافت نمیشود

که به نفرت پناه میبرید؟

که در حقیقت یافت نمیشود

که به دروغ پناه میبرید؟

که در سلامت یافت نمیشود

که به خلاف پناه میبرید؟

و مگر حکمت زیستن را از یاد برده اید

که انسانیت را پاس نمی دارید ؟ !

از سخنان ملاصدرای شیرازی

خداوندا دست‌های توبه‌کارم را بگیر!



پروردگارا! من عذرخواه تمام گذشته‌های
غفلت خویشم؛ گذشته‌هایی که مغرور و متکی
به رحمت تو، دست در دست ابلیس
می‌گذاشتم و از تو دور می‌شدم؛ گذشته‌های
عصیان و سرپیچی که همه از غفلت و نسیان من بال و پر
می‌گرفت و مرا در پیشگاه لطف تو، گستاخ‌تر می‌کرد.

اشک‌هایم را نخشان

چشم‌هایم که به اشک می‌نشینند، لبخندهایم را فرشته‌ها می‌نویسند. دعا‌هایم، پرنده‌هایی می‌شوند و تا آسمان
هفتم پرواز می‌کنند .
دلم می‌لرزد؛ اما پاهایم را استوار بر پلکان توبه می‌گذارم و تا آستانه بخشش بی‌کران خداوند می‌آیم و از پله‌های
لغزنده غرور و گناه رو می‌گردانم .

خدایا! مرا ببخش...

خدایا! معذرت می‌خواهم برای وقت‌هایی که جلوی من، به یکی ظلم کردند، کمکش نرفتم. معذرت می‌خواهم
برای وقت‌هایی که کسی به من لطف کرد، درست تشکر نکردم؛ یکی از من معذرت‌خواهی کرد، من
او را نبخشیدم. معذرت می‌خواهم به خاطر آنهایی که کمک می‌خواستند، من نتوانستم آنها را به خودم ترجیح
بدهم .

دلم می‌لرزد؛ اما پاهایم را استوار بر پلکان توبه می‌گذارم و تا آستانه بخشش بی‌کران خداوند
می‌آیم و از پله‌های لغزنده غرور و گناه رو می‌گردانم

خدایا! مرا ببخش به خاطر وقت‌هایی که باید برای یک بنده خدایی کاری می‌کردم و نکردم. مرا ببخش به
خاطر وقت‌هایی که مسائل خصوصی یک بنده خدایی را فهمیدم و سعی نکردم دیگران نفهمند. مرا ببخش به
خاطر وقت‌هایی که گناهی آمد جلویم و من از آن دور نشدم.
خدایا! از اینها و همه کارهای شبیه این که کردم، معذرت می‌خواهم؛ عذرخواهی آدم پشیمان که امیدوار است
این پشیمانی، دیگر نگذارد شبیه این اتفاق‌ها برایش بیفتد.

**خدایا! بگذار همین پشیمانی من از کوتاهی
ها، همین تصمیم برای دوری از گناه ها،
توبه من باشد؛ توبه ای که به خاطرش، تو مرا
دوست داشته باشی . ای خدایی که توبه کارها را دوست داری!**



خدایا مرا ببخش اگر صدایت نمیزنم! فراموش نکرده ام...
خدایا مرا ببخش اگر چیزی از تو نمی خواهم! همه چیز را از تو گرفته ام...
خدایا مرا ببخش اگر طنابم را گسسته ام! پوسیده بود محکمتش را می خواهم...
خدایا مرا ببخش اگر به سوی دیگری میروم! در این سو رهیافتگان کمترند...
خدایا مرا ببخش اگر آتش عشقت را با اشک هایم بیرون می رانم! دارم شعله ور می شوم...
خدایا مرا ببخش اگر خود پرستم! در وجودم تو را یافته ام...
خدایا مرا ببخش اگر به دنیا دل بسته ام! در شوره زارش رد تو را می جویم...
خدایا مرا ببخش اگر در عشقت کفر می گویم! قلبم گنجایش این همه رحمت را ندارد...
خدایا مرا ببخش اگر چشمانم را بسته ام! میخواهم امشب خواب تو را ببینم....
**خدایا! معذرت می خواهم برای وقت هایی که جلوی من، به یکی ظلم کردند، کمکش نرفتم.
معذرت می خواهم برای وقت هایی که کسی به من لطف کرد، درست تشکر نکردم؛ یکی از
من معذرت خواهی کرد، من او را نبخشیدم. معذرت می خواهم به خاطر آنهایی که کمک
می خواستند، من نتوانستم آنها را به خودم ترجیح بدهم**

خدایا! مرا ببخش از این که:
- غیبت کردم، از دیگران بدی گفتم و خودم را نیک جلوه دادم؛
- از این که به والدینم احترام نگذاشتم؛
- از این که برای برتری خودم دیگران را خوار و سبک شمردم؛
- از این که تعهدهایی را که با خدای خویش بستم، شکستم؛

**- از این که از دیگران همواره عیب جویی و
نکوهش کردم و عیوب خویش را فراموش
نمودم؛**



- از این که سخنانی را گفتم و بدان عمل نکردم؛
- از این که برای مقابله با دشمنان به جای بینش مکتبی و عدالت خواهی بر اساس خودخواهی قضاوت کردم؛
- از این که دیگران را مسخره و تحقیر کردم تا اشتباهات خویش را بپوشانم؛
- از این که آگاهی و علوم خود را در اختیار دیگران نگذاشتم؛
- از این که مانند جاسوسان خبر چین در اسرار خصوصی مردم دخالت و تجسس کردم.
- از این که قول دادم، اما خلاف عمل کردم؛
- از این که برای پیاده کردن قوانین خداوند در جامعه سستی کردم؛
- از این که گذشت شب و روز و حرکت هستی سبب رشد و پندگیری من نشد؛

**-از این که شب خوابیدم بدون این که برای رفع مشکلات
مسلمین کوششی انجام دهم.**



خداوند را بخوانم دم بیکم... دست گرفته ای... ریاضت من.

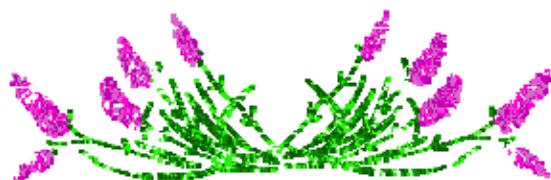




خواجه عبدالله انصاری :

پیوسته رنج مردم از سه چیز
است :

زودتر از وقت چیزی را
می خواهند و از قسمت ، بیش
می خواهند و آنِ دیگران ، از
آن خویش می خواهند .





خوشبختی مادر سه حمله است

تجربه از دیروز، استفاده از امروز، امید به فردا

ولی بابا سه حمله دیگر زندگیمان را تباه میکنند

حسرت دیروز، اتلاف امروز، ترس از فردا

